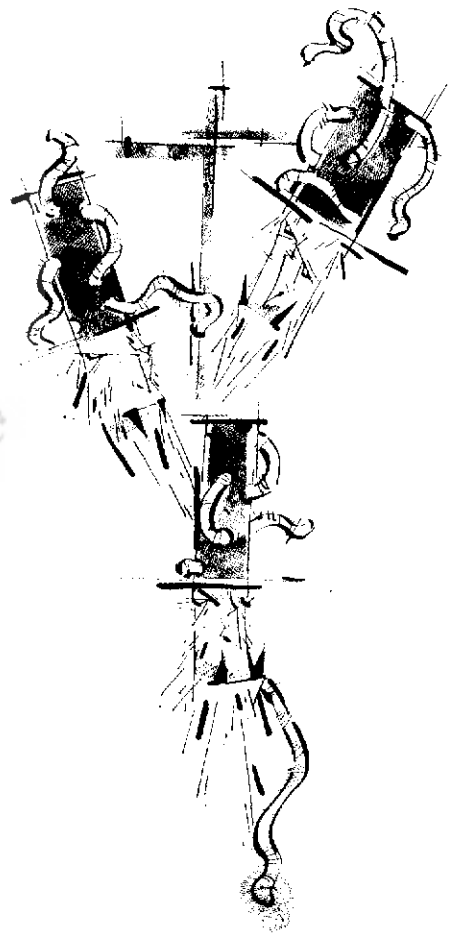




حقوق و سیاست



مسیحیت
تشیخ
وایدلا

مرتضی شیرودی

بایسته‌ها و موضوعات پژوهشی

گروه حقوق و سیاست

مقدمه

پژوهندگان، به‌گفتمان مهدویت از زوایای گوناگونی نگریسته‌اند. «حقوق و سیاست»، از مباحث مهم این گفتمان به‌شمار می‌رود که علی‌رغم اهمیت آن کمتر به‌کندوکاو آن پرداخته‌اند. توسعه‌ی مرزهای دانش و رشد علمی و فرهنگی جوامع در دهه‌های اخیر از یک سو و طرح سؤالات و شبهات مطرح شده در این زمینه از سوی دیگر و همچنین نیاز روزافزون و اقبال گسترده به موضوع مهدویت و انتظار، اهمیت طرح علمی این مباحث را دوچندان ساخته است.

بی‌تردید، انجام کار علمی و سازمان یافته در این باره جز با برنامه‌ریزی دقیق امکان‌پذیر نخواهد بود. به همین جهت گروه پژوهشی حقوق و سیاست، با برنامه کاری تعریف شده، تشکیل می‌گردد تا این رسالت مهم را به انجام رساند.

در اجرای این برنامه، افزون بر اخلاص، جدیت و توان‌مندی اعضای گروه، عنایت ویژه حضرت مهدی عج راز و رمز موفقیت خواهد بود.

انجام کار علمی و تحقیقاتی و اجرای برنامه‌های پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه، برعهده گروه پژوهشی حقوق و سیاست است. حوزه فعالیت این گروه، مباحث حقوقی و سیاسی پیرامون مهدویت از عصر آخرین امامان شیعه، دوران غیبت صغرا، عصر غیبت کبرا و زمان ظهور و حضور حضرت مهدی عج خواهد بود.

چکیده

در طی دهه‌های گذشته، نظریه مسیحیت صهیونیستی تکامل یافته و اینک، به اندیشه مسلما، بر سیاست و حکومت امریکا و اسرائیل تبدیل شده است. در این نظریه، مؤلفه‌های هفت‌گانه‌ای وجود دارد که مهاجرت یهودیان و تأسیس دولتی یهودی در ارض موعود، اولین و مهم‌ترین سازه آن به‌شمار می‌رود. از اساسی‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز که از سال ۱۳۲۲ شمسی و در پی نشر کتاب **کشف اسرار**، یا به عبارت دقیق‌تر، از سال ۱۳۴۱ شمسی و با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد، مبارزه و مخالفت با پدیده مهاجرت یهودیان و دولت یهودیان است. مقاله حاضر می‌کوشد ارتباط بین آن دو را به تصویر کشد.

واژه‌های کلیدی

نظریه، مسیحیت، صهیونیسم، انجیل، اسرائیل، امریکا، انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، ایران و تشیع.

برای پرهیز از اشتراک لفظی، ارائه تعریف واژه‌های «نظریه»، «مسیحیت»، «صهیونیسم» و «مسیحیت صهیونیستی» ضرورت دارد. به علاوه، گشودن فضای بحث، به مقدمه‌ای در این باره نیاز دارد. «مسیحیت صهیونیستی»، واژه جدید و نیازمند تعریف است. بنابراین، نخست باید واژه‌های به کار رفته در این مقاله تعریف شود:

تئوری (نظریه): در عنوان مقاله، «مسیحیت صهیونیستی» را تئوری و نظریه نامیدیم، زیرا نظریه یا تئوری، به معنای رأی و اندیشه است. نیز تئوری و نظریه، کوششی را می‌نماید که برای فهم یک پدیده یا علل رابطه متقابل میان چند پدیده صورت می‌گیرد. در واقع، تئوری در پی تشریح چرایی پدیده‌های مشخص است. به عبارت دیگر، تئوری مجموعه‌ای یک‌پارچه از روابطی به شمار می‌رود که دارای سطح معینی از اعتبارند. همچنین، نظریه مجموعه‌ای از قاعده‌هاست که به رفتار یا پدیده خاصی مربوط می‌شود. البته نظریه اثبات‌پذیر نیست، اما می‌توان به آن معتقد بود و در نتیجه فرضیه‌ای ثابت نشده است.^۱

مسیحیت صهیونیستی را به دو دلیل می‌توان یک نظریه دانست:

اول) تعاریف مربوط به نظریه و تئوری درباره آن درست است، از جمله: مسیحیت صهیونیستی، یک اندیشه است. از سوی دیگر، تلاشی برای درک موعودگرایی مسیحی و یهودی است و نیز درستی و نادرستی آن به روشنی اثبات‌پذیر نیست؛ صحت و سقم آن، هنوز تحقق نیافته است،^۲ و افزون بر آن سیاست‌های جناح حاکم دست راستی امریکا و اسرائیل را توضیح می‌دهد.

دوم) برخی از نویسندگان، نام نظریه را بر آن نهاده‌اند، برای مثال:

الف) نظریه مسیحیت صهیونیستی که تشکیل دولت یهودی را نشانه‌ای بر بازگشت مجدد مسیح می‌داند، اولین بار در سخنان و نوشته‌های الیور کرامول و پاول فگلن هاور، از رهبران و ایدئولوگ‌های پروتستان قرن هفدهم مطرح گردید.^۳

ب) با توجه به ظهور مسیحیت بنیادگرا در کشور امریکا و جنگ امریکا با عراق، نظریه‌پردازان مسیحی (مسیحیت صهیونیستی) همچون جری فالول، مورگان استرانگ، گری فریزر و... نظریات خود را که غالباً مبتنی بر مکاشفات یوحنا (بخش پایانی کتاب مقدس) است، به مخاطبان القامی کنند.^۴

ج) هزاران مسیحی، از جمله کشیشان که در تمام زندگی خود به بازگشت قریب الوقوع مسیح ایمان آورده بودند، از این پس، کشیش‌های دیگری را تحسین می‌کردند که آنها نیز در تمام عمر خود به این نظریه (مسیحیت صهیونیستی) در جهان فانی باور داشتند.^۵

در نتیجه، مسیحیت صهیونیستی را یک نظریه یا تئوری می‌توان به شمار آورد.

مسیحیت: مسیحیان، از مسیحیت پیروی می‌کنند. دین مسیحیت، به عیسی مسیح عَلَيْهِ السَّلَام منسوب است و البته مانند هر دین دیگری مشخصه‌هایی دارد. از جمله، عیسی مسیح، پسر خدا یا تجسد واقعی خالق هستی، خوانده می‌شود که عدالت، آسایش و الگوی خوب زیستن را برای بشر به ارمغان آورده است. او آمد تا فقیران را بشارت دهد، اسیران را رستگار سازد، کوران را بینا کند و سرکوب شوندگان را به آزادی رهنمون شود. از این رو، عیسی مسیح عَلَيْهِ السَّلَام، محوری‌ترین عنصر اعتقاد مسیحیت است. آیا باید او را پرستید، یا تنها گرمی‌اش داشت و از او اطاعت نمود، یا فقط او را تحسین کرد؟ مسیحیان، به این پرسش‌ها، پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند، ولی بنابر باور همه مسیحیان ایمانی که از آن دم می‌زنند، بدون عیسی مسیح بی‌معناست. همچنین آنان عقیده دارند که عیسی به دلیل مخالفت با دستگاه سیاسی روم، دست‌گیر و مصلوب شد، اما او زنده است و روزی باز می‌آید. آنها، کریسمس (روز تولد مسیح)، جمعه مقدس یا روز به صلیب رفتن عیسی، عید پاک یا هنگامه رستاخیز مسیح و جشن بارداری



اهداف

۱. تبیین و تعمیق معارف مهدویت و انتظار در حوزه مباحث حقوق و سیاست؛
۲. نظریه پردازی، تولید علم و گسترش مرزهای دانش در مسائل حقوقی و سیاسی مربوط به مهدویت؛
۳. بازشناسی اندیشه‌های حقوقی و سیاسی اسلام در مباحث مهدویت؛
۴. پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، به ویژه نسل جوان، درباره مسائل حقوقی و سیاسی مهدویت؛
۵. پاسخ به شبهات مطرح شده در موضوع مهدویت با گرایش حقوقی و سیاسی.

پس‌نامه‌ها

۱. موضوع‌شناسی مباحث مهدویت در حوزه حقوق و سیاست؛
۲. منبع‌شناسی مسائل حقوقی و سیاسی مهدویت (کتاب، طرح پژوهشی، پایان‌نامه، مقاله و...)
۳. اجرای طرح‌های پژوهشی در قالب کتاب، مقاله، مصاحبه علمی و...؛
۴. ترجمه کتاب‌ها و مقالات مهم حقوقی و سیاسی در موضوع مهدویت؛
۵. تهیه و تدوین کتاب‌های درسی، آموزشی و کمک آموزشی مورد نیاز مراکز علمی در حوزه فعالیت گروه؛
۶. ارائه مقاله به سمینارها و همایش‌های علمی مهدویت؛
۷. ارتباط و همکاری با مراکز علمی و دانشگاهی فعال در زمینه مسائل حقوقی و سیاسی مهدویت؛
۸. نقد و بررسی کتب و نشریات منتشر شده در موضوع مهدویت با گرایش حقوق و سیاست؛
۹. تهیه و اجرای طرح‌های پژوهشی مورد نیاز مراکز و مؤسسات علمی در زمینه مسائل حقوقی و سیاسی مهدویت؛
۱۰. برگزاری سمینارها و نشست‌های علمی - تخصصی مهدویت در حوزه مسائل حقوقی و سیاسی؛
۱۱. شناسایی و جذب پژوهندگان متخصص در مباحث حقوق و سیاست جهت عضویت در گروه؛
۱۲. جذب علاقمندان به مباحث حقوقی و سیاسی مهدویت جهت گذراندن دوره‌های تخصصی و جذب آنان

پاک مریم را گرامی می‌دارند و کتاب عهد قدیم (تورات) و جدید (انجیل) و به علاوه، رساله پولس و چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا را حجت دینی می‌دانند.^۶ مسیحیت به سه شاخهٔ کاملاً جدا و مخالف با یکدیگر، یعنی کاتولیک (جنوب اروپا و آمریکای لاتین)، ارتدکس (اروپای شرقی) و پروتستان (شمال اروپا و آمریکا) تقسیم شده است. پروتستان بر پایه اندیشهٔ مارتین لوتر آلمانی و ژان کالون انگلیسی شکل گرفته است و طی پنج سدهٔ گذشته، با کاتولیک‌ها نزاع کرده‌اند. نمونه بارز این جدال، ایرلند شمالی به شمار می‌آید. از دیگر ویژگی‌های پروتستان، رابطه بسیار نزدیک آنها با دولت‌هاست تا آن‌جا که در انگلیس، ملکه الیزابت، در رأس دولت و کلیسا قرار دارد.^۷

صهیونیسم: «صهیون» چهار معنای لغوی، جغرافیایی، دینی و سیاسی دارد: صهیون در عبری، به معنای پُر آفتاب، و هم‌چنین، نام کوهی در جنوب غربی بیت‌المقدس است که زادگاه داوود نبی علیه السلام و جایگاه سلیمان پیامبر علیه السلام بود، البته گاه این واژه نزد یهودیان به معنای شهر قدس، شهر برگزیده خداوند و شهر مقدس آسمانی به کار می‌رود، و به طور اعم، به سرزمین مقدس، صهیون گفته می‌شود، ولی در متون دینی یهود، صهیون، به آرمان و آرزوی ملت یهود برای بازگشت به سرزمین داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام و تجدید دولت یهود اشاره دارد.^۸

به عبارت دیگر، صهیون برای یهود، سمبل رهایی از ظلم، تشکیل حکومت مستقل و فرمان‌روایی بر جهان به شمار می‌رود، ولی آنان زمان بازگشت به سرزمین موعود را براساس شیوه‌ای می‌دانند که خدا مشخص کرده است. یهودیان معتقدند که این کار به دست بشر انجام‌پذیر نیست.

صهیونیسم دینی و فرهنگی: پیروان این اندیشه، گروهی یهودی (صهیونیسم یهودی) و شماری عیسوی‌اند (صهیونیسم مسیحی). اما به نیت‌هایی که از «صهیون» مشتق می‌شود صهیونیسم می‌گویند و خواهان مهاجرت و بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین (ارض موعود) و تشکیل دولت یهود است. پیروان این نوع از صهیونیسم (صهیونیسم لائیک)، با تکیه بر استدلال‌های تاریخی، سیاسی و علمی، بر اسکان یهودیان در فلسطین، مشروعیت می‌بخشند. تئودور هرتزل (متوفای ۱۹۰۴ میلادی)، واژه صهیونیسم را نخستین بار به کار برد و سپس، ناحوم ساکولو (متوفای ۱۹۳۲ میلادی) مورخ صهیونیستی، این واژه را در کتاب **تاریخ صهیونیسم** یاد کرد.^۹

مسیحیت صهیونیستی: در واقع، ترکیبی از مسیحیت و صهیونیست است. به بیان عمیق‌تر، مسیحیان، یهودیان و هر آن‌چه را به ایجاد دولت یهودی بینجامد، طرد می‌کنند و پیروان تأسیس دولت یهودی (صهیونیست‌ها) دشمن این مسیحیان‌اند که با تأسیس دولت یهودی مخالفت می‌کنند، در حالی که مهم‌ترین مشخصهٔ مسیحیت صهیونیستی، حمایت از بازگشت یهودیان به ارض موعود (فلسطین) و تأسیس دولتی یهودی در آن‌جاست. مسیحیان صهیونیست، این اندیشه را با اعتقادات مسیحی و یهودی و با متون عهد عتیق (تورات) و جدید (انجیل) گره زده‌اند؛ یعنی، مسیحیت صهیونیستی از یک سو، با الهیات مسیحی درگیر است و از طرف دیگر، چشم به لاهوت توراتی دارد و با مراجعه به منابع توراتی، خواستهٔ تأسیس دولت یهودی صهیونیست‌ها را تأیید می‌کند.^{۱۰}

بنابراین، بر پایهٔ شالوده‌های فکری مسیحیت صهیونیستی، تأسیس دولت یهودی،

خواست مسیح است، و از این رو، در حقیقت دولت اسرائیل، به خواست مسیح عمل خواهد کرد و هر عملی که دولت اسرائیل انجام دهد، از سوی مسیح طراحی شده است. مسیح ظهور نمی کند مگر آن که اسرائیل تأسیس شود. از این روی، بر بنیان نهادن آن دولت تأکید می کنند. البته، اسرائیلی که متون دینی بدان وعده داده اند، از نیل تا فرات است، لذا مسیحیت صهیونیستی با هرگونه مذاکره صلح یا اعطای هرگونه امتیاز به فلسطین که به عدم تحقق اسرائیل بزرگ می انجامد، مخالفت می کند. پس مسیحیت صهیونیستی، جریانی فکری سیاسی است که با رویکردی خاص به عالم و آدم، از آموزه های توراتی و انجیلی برای آینده بشر و ظهور مسیح پیروی می کنند.

مسیحیت صهیونیستی با مسیحیت یهودی و صهیونیسم مسیحی تفاوت دارد؛ پیروان صهیونیسم مسیحی، مسیحیانی اند که با حفظ باورهای مسیحی، تنها خواهان تأسیس دولتی یهودی اند، و پیروان مسیحیت یهودی، یهودیانی هستند که رنگ و بوی مسیحی گرفته اند و هیچ گاه به دنبال خلق دولتی یهودی نبوده اند.^{۱۱} نظریه مسیحیت صهیونیستی، اندیشه ای دینی است که از انتقال یهودیان به فلسطین و تأسیس یک دولت یهودی و اینک از اسرائیل، حمایت می کند. بنابراین نظریه، می کوشند تا با گسترش مرزهای اسرائیل فعلی، به مرزهای توراتی نیل تا فرات، مقدمات ظهور حضرت مسیح را فراهم آورند. گذشته از درستی یا پروژ و پروسه بودن آن، واقعیت مسیحیت صهیونیستی در دهه های اخیر به اوج بالندگی خود دست یافته است و اکنون در پیش روی ما قرار دارد.^{۱۲}

برای تبیین رابطه بین مسیحیت انجیلی و تشیع ایرانی، یا به عبارتی دیگر، مسیحیت صهیونیستی، نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، پس از بررسی چستی مفاهیم نظریه، مسیحیت، صهیونیسم و مسیحیت صهیونیستی، به تاریخچه ای از شکل گیری مسیحیت صهیونیستی پرداخته خواهد شد و آن گاه به بنیانی ترین خواسته های آن، و سرانجام به تضادهای اندیشه ای و تئوریک مسیحیت صهیونیستی و انقلاب اسلامی اشاره می گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در گروه؛

۱۳. تهیه ویژه‌نامه‌های تخصصی مباحث حقوق و سیاست برای نشریات پژوهشی؛

۱۴. تهیه مطالب علمی مورد نیاز واحدهای پژوهشکده مهدویت؛

۱۵. برگزاری دوره‌های آموزشی و کارورزی کوتاه مدت برای پژوهش‌گران گروه؛

۱۶. راهنمایی و مشاوره علمی دانش‌جویان و طلاب جهت تدوین کتاب، پایان‌نامه، و مقاله با گرایش مباحث حقوقی و سیاسی مهدویت.

بایسته‌ها و موضوعات پژوهشی

۱. حقوق عمومی:

الف) ساختار حکومت امام زمان (عج) و مقایسه آن با حکومت‌های فعلی؛

ب) حقوق متقابل مردم و حکومت امام زمان (عج)؛

ج) جایگاه شورا و مشورت در حکومت امام زمان (عج)؛

د) نحوه مشارکت مردم در نظام سیاسی و حکومتی امام زمان (عج)؛

ه) نظارت متقابل دولت و مردم در حکومت امام زمان (عج)؛

و) قانون و قانون‌گذاری در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)؛

ز) مفهوم حاکمیت در حکومت مهدوی.

۲. حقوق خصوصی:

الف) احوال شخصییه اقلیت‌های دینی در حکومت امام زمان (عج)؛

ب) مالکیت خصوصی و حدود آن در حکومت مهدوی؛

ج) تابعیت و شهروندی در حکومت امام زمان (عج).

۳. حقوق بین‌الملل:

الف) حقوق بین‌الملل و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)؛

ب) معاهدات بین‌المللی در حکومت امام زمان (عج)؛

ج) جایگاه سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در

نظریه مسیحیت صهیونیستی در گذر زمان

هیچ یک از کسانی که درباره گرایش‌های مختلف مسیحی - یهودی قلم زده‌اند، تاریخی کهن‌تر از عصر اصلاح دینی برای مسیحیت یهودی نیافته‌اند. پس از آن، پوریتین‌ها علاوه بر حفظ و تأکید تئوریک و آکادمیک بر لزوم شکل‌یابی دولت یهودی، آن را به عرصه عمل سیاسی صهیونیسم مسیحی آوردند. سرانجام، آنان با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و با پدید آمدن دولت یهودی اسرائیل، به ایجاد دولت یهودی جامه عمل پوشاندند. از آن رو که تحقق اولین مرحله ظهور مسیح تأسیس دولت اسرائیل است، تحولی شگرف در اندیشه صهیونیسم مسیحی به وجود آمد. یکی دیگر از مهم‌ترین تحولات برای تحقق ظهور مسیح، زایش و سپس به عرصه قدرت رسیدن مسیحیت صهیونیستی است که پسامسیحیت صهیونیستی را نمایان می‌سازد.^{۱۳}

مسیحیت یهودی: نهضت اصلاح دینی، با لوتر و آرای اعتقادی جدید او آغاز شد. وی پیش از آغاز نهضت، از آموزه‌های عبرانی تأثیری شگرف پذیرفت و از این رو، بخشی از اصلاح دین مسیحیت را بر آن آموزه‌ها استوار ساخت؛ مانند روی آوردن به بهشت دنیوی یهودی که به جای آخرت‌گرایی کاتولیکی نشست. ربا که در مسیحیت کاتولیک، حرام و در یهودیت جایز بود، در پروتستان هم جایز شناخته شد. به علاوه، بزرگداشت و برتر شمردن قوم یهود و تعلق سرزمین‌های فلسطینی یا ارض موعود به این قوم، از دیگر مشخصه‌های وام گرفته لوتری‌ها از عهد عتیق به شمار می‌آید. لوتر در ستایش و تمجید از قوم برگزیده خدا، به اندازهای پیش رفت که شبهه یهودی بودن او مطرح گردید.^{۱۴}

لوتر در کتاب **مسیح؛ یک یهودی زاده شد** (چاپ ۱۵۲۳ میلادی) یهودیان را خویشاوندان (برادران و پسرعموهای) عیسی مسیح و از کاتولیک‌ها خوانده است. بنابراین، بهتر آن شاید که وی را یهودی بخوانند، نه کافر. چنین شبهه‌ای، سبب گردید که برخی، پروتستانیسم را مسیحیتی بدانند که بر بنیادها و شالوده‌های یهودی شکل گرفته است. شاید از این نظر، بتوان به گونه‌ای پیدایی مسیحیت یهودی را توضیح داد.^{۱۵} **خاخام ابراهام لوی در تأیید چنین نگرشی می‌گوید:**

لوتر در پنهان یهودی‌ای بود که تلاش می‌کرد تا آرام آرام مسیحیان را به انعطاف و انحراف وا دارد.

البته، لوتر در سال‌های پایانی عمرش با نوشتن مطالبی علیه یهودیان، تنها اندکی از این شبهه را از لوتری‌ها دور ساخت، در حالی که یهودیان از مجموعه اقدامات یهودگرایی لوتر خرسند بودند، و از این رو، به دفاع از نهضت اصلاح دینی پرداختند. در نتیجه، پروتستان، کلیسای کاتولیک، دشمن دیرینه یهودیان را از اریکه قدرت مذهبی به زیر کشید.^{۱۶}

صهیونیسم مسیحی: حدود صد سال پس از لوتر، فرقه پوریتین کالونی، بیش از دیگران در گسترش و نهادینه‌سازی آموزه‌های توراتی کوشید. پیروان این فرقه پروتستانی که هنجارهای اخلاقی آن با تورات منطبق بود، یهودی‌گران انگلیسی شناخته می‌شدند که با سرنگونی پادشاه انگلیس توسط کرامول، در این کشور قدرت و قوت گرفتند. در آن زمان اعلام کردند که حضور یهودیان در فلسطین، مقدمه دومین

ظهور مسیح است. وابستگی پوریتن‌ها به یهودیت به آن‌جا رسید که از تمامی مذاهب پروتستانی پیشی گرفتند. لذا نباید از انتخاب نام‌های یهودی چون ساموئل، آموس، سارا و جودیت برای فرزندانشان تعجب کرد. بنابر باور پوریتن‌های انگلیسی، یهودیان می‌بایست قبل از بازگشت مجدد مسیح، به سرزمین‌های مقدس باز گردند. در این راه، انگلیس اولین کشوری است که یهودیان را به سرزمین‌های ابراهیم، اسحاق و یعقوب، انتقال خواهد داد. عقاید پوریتن‌ها، پس از گسترش بی‌مانند در انگلیس، به آمریکا هم راه یافت و نقشی ویژه در تأسیس آمریکا یافت تا آن‌جا که ممکن بود به این دلیل، نام آمریکا را از نیوانگلند به نیواسرائیل تبدیل کنند. پس از آن، افکار پوریتنی، چه آمریکایی و چه انگلیسی که تا عرصه‌های قدرت سیاسی و نیز، مذهبی گسترده شد، نقشی مهمی در پیدایش صهیونیسم ایفا کرد،^{۱۷} از جمله:

۱. کتاب **دو سفر به قدس**، نوشته ناتانیل کروچ مسیحی (چاپ ۱۷۰۴ میلادی) از نمونه‌های مهم در بستر سازی صهیونیسم قبل از هر تزل است. او تنها راه تبدیل سرزمین مقدس (فلسطین) را از وضعیت بیابانی و بی‌علفی به سرزمین شیر و عسل وعده شده تورات، باز پس‌گیری آن به دست یهودیان می‌دانست.^{۱۸}

۲. لرد، شاه فستبری از رجال انگلیسی در ۱۸۳۹ میلادی نوشت: زمان انتظار دومین ظهور مسیح، وقتی به پایان می‌رسد که یهودیان در فلسطین گرد هم آیند. شاه فستبری درباره این استدلال که هر ملت باید دارای وطن باشد و سرزمین کهن از آن ملت کهن است، مشوق نظری و عملی مهاجرت یهودیان به فلسطین گردید.^{۱۹}

۳. ویلیام بلاکستون که به پدر صهیونیسم مسیحی آمریکا مشهور است، در اواخر سده نوزده میلادی معتقد بود سالی که کشور صهیونیستی اسرائیل در فلسطین تأسیس گردد، مسیح دوباره ظهور خواهد کرد. قبل از این، وی از دولت آمریکا خواسته بود که دولت اسرائیل را در فلسطین تشکیل دهد.^{۲۰}

۴. در همین دوره، چهره مشهور دیگر صهیونیسم مسیحی، سایروس اسکوفیلد آمریکایی است که با نگارش **تفسیر عهد عتیق (انجیل آخر الزمان)** بر پایه افکار جدید کشیش، جان داری انگلیسی، بر افکار پوریتن‌ها تأکید ورزید. این کتاب معتبرترین تفسیر و بهترین مرجع برای انجیل شناخته می‌شود.^{۲۱}

۵. با چاپ کتاب **دولت یهودی** (۱۸۹۴ میلادی) و برگزاری کنگره بال (۱۸۹۷ میلادی)، مسیحیان گام‌های مؤثری در جهت شکل بخشیدن به دولت یهودی برداشتند، مانند پیمان سایکس پیکو (۱۹۱۴ میلادی) اعلامیه بالفور (۱۹۱۷ میلادی)، پیمان ورسا (۱۹۱۹ میلادی)، قیمومیت بر فلسطین (۱۹۲۳ میلادی) و طرح تقسیم فلسطین (۱۹۴۷ میلادی).^{۲۲}

مسیحیت صهیونیستی: سال ۱۹۴۸ میلادی را باید آغاز قوام‌یابی اندیشه مسیحیت صهیونیستی دانست، چرا که دو پیش‌بینی آن، یعنی مهاجرت یهودیان به ارض موعود و تشکیل دولت یهودی به دست یهودیان مهاجر، تحقق یافت. پیروزی در جنگ‌های اعراب و اسرائیل، به ویژه جنگ ۱۹۶۷ میلادی، ارزش‌های مذهبی مسیحیت صهیونیستی را بیش از پیش آشکار ساخت. موشه دایان، وزیر دفاع، در همین سال گفت: «هر کس مذهبی نبود، امروز مذهبی شده است»، زیرا مرزهای اسرائیل به سبب اشغال قدس با مرزهای ارض موعود، مطابقت بیشتری داشت، و هم‌چنین زمینه دیگر ظهور مسیح را که تخریب مسجدالاقصی و قبةالصخره بود، فراهم می‌آورد. به علاوه، اشغال جنوب لبنان، بار دیگر مرزهای اسرائیل را در جهت اسرائیل بزرگ یا توراتی از نیل تا فرات، توسعه بخشید.^{۲۳}

البته جنبش مسیحیت صهیونیستی در فاصله سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۲ میلادی، از تأسیس و توسعه ارضی اسرائیل خرسند و از طرف دیگر، از تسلط غیر مذهبی‌های صهیونیست بر دولت ناخرسند بود. تلاش این جنبش برای



حضرت مهدی علیه السلام؛

- (ب) نقش و جایگاه مردم در شکل‌گیری حکومت امام زمان علیه السلام؛
- (ج) فرآیند شکل‌گیری یاران و لشکر حضرت مهدی علیه السلام در آستانه ظهور؛
- (د) وضعیت سیاسی جهان در آستانه ظهور؛
- (ه) وضعیت سیاسی جهان اسلام در آستانه ظهور؛
- (و) جایگاه تسلیحات مدرن در قیام حضرت مهدی علیه السلام؛
- (ز) عمل‌کرد قدرت‌های استکباری هنگام قیام امام زمان علیه السلام؛

۹. عصر ظهور

- (الف) نقش و جایگاه مردم در حکومت امام زمان علیه السلام؛
- (ب) سیمای مدینه فاضله مهدوی؛
- (ج) حکومت امام زمان علیه السلام و چالش‌های سیاسی فرا روی آن؛
- (د) مفهوم سیاست در مدینه فاضله مهدوی؛
- (ه) جایگاه رسانه‌ها و مطبوعات در حکومت امام زمان علیه السلام؛
- (و) صلح و امنیت در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام؛
- (ز) سیره سیاسی و حکومتی حضرت مهدی علیه السلام؛
- (ح) حکومت امام زمان و رابطه دین و سیاست؛
- (ط) خشونت، تساهل و تسامح در حکومت امام زمان علیه السلام؛
- (ی) مهدویت و جنبش زنان؛
- (ک) الگوی توسعه سیاسی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام؛
- (ل) کار ویژه‌های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام؛
- (م) الگوی مدیریت سیاسی در دولت مهدوی؛
- (ن) اهداف و آرمان‌های سیاسی حکومت امام زمان علیه السلام؛
- (س) جایگاه مخالفین در حکومت حضرت مهدی علیه السلام؛
- (ع) انتقاد سیاسی و مسئولیت‌پذیری در حکومت جهانی

اول، بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین؛ دوم، تأسیس دولت یهود، استقرار دوباره یهودیان در ارض موعود، و تشکیل اسرائیل نشان اجرای نقشه الهی و این‌که دومین ظهور منجی مسیحیان قطعی است. ایجاد دولت اسرائیل، مهم‌ترین روی‌داد تاریخ معاصر است. این روی‌داد، معرف نخستین گام، یعنی آغاز آخرالزمان است؛ سوم، تبلیغ کلام خدا برای همه ملت‌ها از جمله اسرائیل؛ چهارم، ربودگی یا عروج به ملکوت کلیسا؛ پنجم، آزمایش سخت که دوران رنج و محنت عظیمی خواهد بود. در مدت هفت سال همه کسانی که به بهشت نرفته‌اند و در زمین مانده‌اند، گرفتار زجر و آزارهای دجال خواهند شد؛ ششم، نبرد هارمجدون؛ یهودیان در این نبرد، سرزمین اعطایی خداوند به عبرانیان را آزاد می‌سازند؛ یعنی قبل از آن که مسیح باز گردد؛ مرحله هفتم، یهودیان باید مالک تمام سرزمین‌هایی شوند که خداوند به آنان وعده داده است. عرب‌ها باید از این سرزمین‌ها بروند، چرا که این زمین‌ها تنها به یهودیان تعلق دارد. خداوند همه این سرزمین‌ها را به یهودیان داده است.

همه این حوادث باید در آغاز هزاره سوم میلادی روی دهد. از این‌رو، نظریه مسیحیت صهیونیستی را هزاره‌گرایی هم نامیده‌اند، چرا که کتاب مقدس (تورات) بر وقوع جنگ آرمادگدون در هزاره سوم اشاره کرده و یا این‌که چنین تفسیری از آن نموده‌اند. البته گاه هزاره‌گرایی به این مفهوم است: زمانی که عیسی مسیح از آسمان به زمین می‌آید، دجال را می‌کشد و هزار سال حکومت می‌کند و گاه نیز، هزاره‌گرایی مسیحی بر این تفکر استوار است که در ابتدای هر هزاره، اتفاق مهمی روی می‌دهد.^{۳۷}

نظریه مسیحیت صهیونیستی علی‌رغم تناقض شکلی و محتوایی مراحل ظهور مسیح و نیز گذشته از تردیدهای جدی درباره انطباق آن با آموزه‌های توراتی و انجیلی، چند ویژگی مشترک دارد. مهم‌ترین ویژگی آن به دلیل وقوع مرحله اول و دوم، یعنی گرد آمدن یهودیان در ارض موعود و تأسیس دولتی یهودی به مرکزیت بیت المقدس است. مسیحیان صهیونیست، از آن روی به مهاجرت یهود و دولت یهود توجه می‌کنند که:

۱. یهودیان امت برگزیده خدا هستند، لذا همه کسانی که به یهودیان دعا می‌کنند، خدا به آنها برکت می‌دهد؛ ۲. خدا در طرح کلی خود درباره هستی، جایی برای اعراب فلسطینی در نظر نگرفته، توجه خدا تنها معطوف به یهودیان است؛ ۳. خدا در همه کارهایی که اسرائیل انجام می‌دهد، دستی دارد؛ یعنی خداوند همیشه در طرف اسرائیل است؛ ۴. اسرائیل، تو را دوست می‌داریم، چون خدا تو را دوست دارد، و اگر عرب‌ها دشمن اسرائیل‌اند، پس دشمن خدایند؛ ۵. خداوند به این دلیل با امریکا مهربان است که امریکا نسبت به یهودیان مهربان است؛ ۶. اگر ما پشتیبانی از اسرائیل را رها کنیم، اهمیت خود را نزد خداوند از دست می‌دهیم.^{۳۸}

صهیونیست‌های مسیحی امریکایی

جورج بوش در مبارزه انتخاباتی برای تصدی پست فرمانداری ایالات تگزاس کسانی را که به عیسی مسیح علیه السلام ایمان ندارند، دورماندگان از بهشت خواند. این سخن، اعتراض یهودیان را برانگیخت. از این‌رو، بوش مسیحی بودن را شرط ورود

به بهشت یاد کرد. بوش در سال دو هزار میلادی با حمایت کشیش پت روبرتسون، رهبر ائتلاف راست‌گرایان مسیحی، با پیروزی بر رقیب خود جان مکین، نامزد حزب جمهوری خواه معرفی شد. راست‌گرایان محافظه‌کار از حامیان اسرائیل معتقدند که حمایت از اسرائیل بر اساس دستورهای انجیل است که سرانجام آن، به جنگ بزرگ آرماگدون و سلطنت هزارساله مسیح منتهی می‌شود. اکنون بیشتر اعضای وابسته به این جریان فکری، سمت‌های مهمی در دولت بوش دارند؛ سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا، تحت سیطره آنان قرار دارد. حتی اگر بگوییم بعد از حادثه یازدهم سپتامبر، راست‌گرایان مسیحی به ترسیم نقشه جهان پرداختند، سخن اغراق‌آمیزی نگفته‌ایم، چنان‌که آمریکا امروز به مداخله بی‌چون و چرای بحران‌ها و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی تمام جهان می‌پردازد. اکنون رهبری جریان صهیونیسم مسیحی را در آمریکا، کشیش پت روبرتسون عهده‌دار است و بر مؤسسات بزرگ رسانه‌ای مانند شبکه خبری فاکس نیوز، ان.بی.سی (N.B.C) و سی.ان.ان (CNN) تسلط دارد. صهیونیسم مسیحی، مکتبی افراطی است که در قرن نوزدهم میلادی از دل پروتستانیزم بیرون آمد. این مکتب در آغاز، به نام نهضت مبلغان انجیل یا یونجلیزم شناخته می‌شد. در حال حاضر، بیش از ۱۵۰۰ فرقه مختلف مسیحی در جهان به صهیونیسم مسیحی گرایش پیدا کرده‌اند و مبلغ آن هستند. شمار پیروان این مکتب در آمریکا به صد میلیون نفر تخمین زده می‌شود. در پیش از سده گذشته، انجیل جدید با عنوان انجیل پایان جهان توسط شاپری اسکوفیلد تحت تأثیر نظرات جان داربی نوشته شد. این انجیل، مبنای تئوری پردازی صهیونیسم مسیحی در باب آخرالزمان قرار گرفت. عقاید صهیونیسم مسیحی بر سه محور استوار است:

۱. ایمان به بازگشت مسیح عزیزه و این که بازگشت حضرت مسیح، مشروط به برپایی دولت اسرائیل است؛
۲. تشکیل دولت اسرائیل منوط به بازگشت یهودیان به فلسطین است؛
۳. تنها شریعت خدا، تورات است.

از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین جنبش‌های اصول‌گرای صهیونیسم مسیحی «جنبش تدبیری» است. این جنبش، به اخبار کتاب مقدس درباره چگونگی تدبیر خداوند در جهان هستی و سرانجام آن، استناد می‌کنند که به برپایی دولت اسرائیل و بازگشت یهودیان به آن می‌انجامد؛ آن‌گاه دشمنان خدا به اسرائیل حمله می‌کنند و جنگ اتمی آرماگدون شعله‌ور می‌شود که ویرانی‌های بسیار و میلیون‌ها کشته بر جای می‌گذارد. پس از این رخداد، حضرت مسیح ظهور می‌کند تا پیروان خود را نجات دهد. سپس صلح و آرامش در حکومت مسیح استقرار می‌یابد. این حکومت، هزار سال در زیر آسمان و روی زمین جدید ادامه پیدا خواهد کرد. اعضای این جنبش معتقدند که تشکیل حکومت یهودی در کشور فلسطین نشانه نزدیک شدن ظهور حضرت مسیح است. تا زمانی که یهود به طور کامل بر فلسطین تسلط پیدا نکرد و دو مسجد اقصی و صخره، معدوم و معبد بزرگ یهود به جای آن بنا نگردد، ظهور حضرت به تأخیر خواهد افتاد.

از نکات مهم نظریه صهیونیسم مسیحی در باب آخرالزمان عبارت است از:

۱. رهبری جنگ به عهده آمریکا و انگلیس خواهد بود؛
۲. آغاز و پایان آن از هزاره سوم به مدت هفت سال است و همه مسیحیان موظف به تلاش برای سیطره یهود و راهاندازی جنگ آرماگدون برای تسریع ظهور حضرت مسیح هستند. کمک به سیطره نیروهای شر بر کل جهان از طریق اعمال ظلم بر جهان و تلاش برای اسکان یهودیان در فلسطین و نسل‌کشی مسلمانان، از مهم‌ترین استراتژی‌های تعریف شده این مکتب است. برای نمونه، برخی گروه‌ها برای تعجیل در ظهور مسیح و برپایی و رستاخیز، دست به عملیات خودکشی دسته جمعی می‌زنند، مانند گروه‌های نژادپرستان کوکلس کلان، نازی‌های جدید، کله‌پوستی‌ها، گروه دان کورس که گروه اخیر در چند سال قبل در ایالت تگزاس به دستور رهبر خود کورس خودکشی دسته جمعی کردند. این اعتقادات چرایی اصرار آمریکا به مسلح کردن اسرائیل به سلاح‌های پیشرفته، اعطای فن‌آوری جدید و حمایت همه‌جانبه از اقدامات آنان را در سرزمین‌های فلسطینی و خارج از آن‌جا پاسخ می‌گوید.



مؤلفه‌های اعتقادی مسیحیت صهیونیستی

مسیحیان صهیونیستی، ویژگی‌های خاصی دارند: تشویق گفت‌وگوهای یهودی و مسیحی، مقابله با افکار ضد یهودی، آموزش با نگرش به ریشه‌های یهودی دین مسیح، مخالفت با مقامات یهودی میانه‌روی اسرائیلی که خواهان روش مصالحه‌جویانه برای حل بحران خاورمیانه‌اند، و به ویژه شناختن آخرالزمان با نگاه به کتاب مقدس. پیروان این مکتب، خود را از مبلغان انجیلی می‌دانند و اعتقاد دارند هواداران مذهب مسیحیت صهیونیستی، مسیحیان دوباره متولد شده‌ای هستند که فقط آنها اهل نجات‌اند و دیگران هلاک خواهند شد. آنها تعصب ویژه‌ای به صهیونیسم نشان می‌دهند. تعصب این مسیحیان، بیش از صهیونیست‌های مقیم اسرائیل و امریکاست. جست‌وجوی بیشتر در اندیشه مسیحیت صهیونیستی، جنبه‌های دیگری از عقاید آنان را به این شرح روشن می‌سازد.^{۳۲}

دوره سرخوشی: مسیحیان صهیونیست، معتقد به هفت مرحله یا هفت مشیت الهی‌اند که به این ترتیب در آخرالزمان به وقوع می‌پیوندد:

۱. بازگشت یهودیان به فلسطین؛
 ۲. ایجاد دولت یهود در آن‌جا؛
 ۳. موعظه شدن بنی اسرائیل و دیگر مردم دنیا به وسیله انجیل؛
 ۴. دوره وجد یا سرخوشی؛ بهشت رفتن کسانی که به کلیسا ایمان آورده‌اند؛
 ۵. دوره هفت ساله حکومت دجال یا آنتی‌کراست (ضد مسیح) و بدبختی یهودیان و دیگران؛
 ۶. وقوع جنگ آرماگدون یا جنگ همه‌گیر که در آن، همه زمین به سختی نابود خواهد شد؛
 ۷. شکست لشکران دجال و ایجاد حکومت مسیح به پایتختی قدس (اورشلیم). در این دوره، یهودیان به مسیح ایمان می‌آورند.
- گروهی معتقدند که مرحله اول (تا سال ۱۹۴۸ میلادی) و دوم (در سال ۱۹۴۸ میلادی) تحقق یافته است و اکنون دنیا در مرحله سوم (کلیسای تلویزیونی) به سر می‌برد و بقیه مراحل تا سال ۲۰۰۷ میلادی و به اعتقاد برخی تا سال ۲۰۲۶ میلادی تحقق خواهد یافت. گرچه در مرحله چهارم این نظریه اختلاف است، ولی یکی از روایت‌های این مرحله چنین است: مسیح در دورهای می‌آید و در برابر مسیحیان صهیونیست ظاهر می‌شود و عده‌ای (به روایتی ۱۴۴ نفر) را با سفینه به بهشت می‌برد و نابودی جهان طی جنگ آرماگدون را مشاهده می‌کند. ولی مسیح در گیرودار نابودی جهان به زمین برمی‌گردد و در جنگ آرماگدون بر سپاه شر، پیروز می‌شود و حکومت هزارساله خود را بنیاد می‌نهد.^{۳۳}

هفت سال بدبختی: نویسندگانی دیگر، مراحل هفت‌گانه اندیشه مسیحیت صهیونیستی را این گونه برمی‌شمارد:

۱. بازگشت یهودیان به ارض موعود (فلسطین)؛
۲. ایجاد دولت یهودی در ارض موعود؛
۳. موعظه شدن بنی اسرائیل و دیگر مردم دنیا به انجیل؛

- (ب) تأثیرات عصر غیبت بر نظریه سیاسی شیعه؛
- (ج) جایگاه مهدویت در اندیشه سیاسی اسلام؛
- (د) سیمای سیاسی منتظران؛
- (هـ) موعود گرایی در اندیشه سیاسی شیعه؛
- (و) ولایت فقیه و حل معضلات سیاسی اجتماعی جامعه اسلامی در غیاب امام معصوم؛
- (ز) حکومت مطلوب در عصر غیبت؛
- (ح) آثار سیاسی - اجتماعی اعتقاد به مهدویت؛
- (ط) انتظار و نظریه پایان تاریخ؛
- (ی) مسئولیت دولت اسلامی و نهادهای آن در ترویج فرهنگ مهدویت؛

- (ک) مهدویت در اندیشه سیاسی اهل سنت؛
- (ل) تلقی و برداشت مدرنیسم از مسئله مهدویت و انتظار؛
- (م) ایده حکومت جهانی از منظر پژوهندگان معاصر؛
- (ن) جامعه مدنی و حکومت جهانی امام زمان علیه السلام؛
- (س) تأثیر متقابل انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت؛
- (ع) آسیب‌شناسی انتظار در جامعه اسلامی؛
- (ف) نقش مهدویت در بازآفرینی هویت اسلامی؛
- (ص) تحقق عدالت مهدوی در عصر غیبت؛
- (ق) راه‌کارهای اجرایی عدالت مهدوی در عصر غیبت؛
- (ر) چالش‌ها و موانع تحقق عدالت مهدوی در عصر غیبت؛

- (ش) آثار و پی‌آمدهای استفاده ابزاری از موضوع مهدویت در مناقشات سیاسی؛
- (ت) فرهنگ انتظار و اندیشه پیروزی حق بر باطل؛
- (ث) ایده آزادسازی قدس و مسئله انتظار؛
- (خ) تأثیر متقابل دفاع مقدس و فرهنگ مهدویت؛
- (ذ) نقش فرهنگ مهدویت در رفتار کنش‌گران سیاسی؛

- (ض) حکومت ولایی در چشم‌انداز حکومت امام زمان علیه السلام؛
- (ظ) موانع سیاسی اجتماعی قیام حضرت مهدی علیه السلام؛
- (غ) مفهوم شناسی و جایگاه عدالت در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام؛

۸. آستانه ظهور:

- (الف) زمینه‌های سیاسی اجتماعی حکومت جهانی

۴. بهشت رفتن کسانی که به کلیسا ایمان آورده‌اند؛

۵. دوران هفت ساله بدبختی. در این مرحله دجال به یهودیان و دیگر مؤمنان، ظلم می‌کند؛

۶. وقوع جنگ آرماگدون؛ جنگی که در صحرای مگیدو یا هرمجدو و در اسرائیل فعلی به وقوع می‌پیوندد؛

۷. شکست لشکریان دجال و استقرار هزار ساله مسیح در اورشلیم؛ این پادشاهی به وسیله یهودیان مسیحی شده اداره می‌شود. دجال در نیمه اول دوره هفت ساله بدبختی، صلح ظاهری ایجاد می‌کند، و در نیمه دوم، بر اسرائیل می‌شورد و بیت‌المقدس را به محاصره در می‌آورد. آن‌گاه صحنه را برای نبرد نهایی یا جنگ آرماگدون فراهم می‌سازد. در این زمان، عیسی، سوار بر اسبی سفید به زمین می‌آید و مؤمنان به دنبال او، از ابرها سرازیر می‌شوند و جنگ را به نفع خود پایان می‌دهند، و عیسی حکومت هزار ساله خود را آغاز می‌کند. برخی هم وقوع هفت ساله رنج و محنت را هم زمان با آغاز آرماگدون می‌دانند، یعنی این جنگ، هفت سال طول می‌کشد. پس از هفت سال، مسیح وارد عرصه کارزار می‌شود و به پیروزی نهایی دست می‌یابد.^{۳۳}

جنگ آرماگدون: بر اساس اعتقادات مسیحیان صهیونیست، باید حوادث زیر صورت گیرد تا مسیح دوباره ظهور کند. البته پیروان اندیشه مسیحیت صهیونیستی وظیفه دارند برای تسریع در عملی شدن این حوادث، کوشش نمایند:

۱. باید یهودیان از سراسر جهان به فلسطین آورده شوند و کشور اسرائیل در گستره‌ای از رودخانه نیل تا فرات به وجود آید؛ یهودیان مهاجر، اهل نجات خواهند بود؛

۲. یهودیان باید مسجدالاقصی و صخره در بیت‌المقدس را منهدم کنند، و به جای آن، معبد بزرگ یهودیان را بنا نهند؛

۳. روزی که یهودیان، مسجدالاقصی و صخره را منهدم نمایند، جنگ نهایی مقدس (آرماگدون) به رهبری امریکا و انگلیس آغاز می‌شود. در این جنگ، تمام جهان نابود خواهد شد؛

۴. در روز آغاز جنگ آرماگدون، تمامی مسیحیان، توسط سفینه‌ای از دنیا به بهشت منتقل می‌شوند و از آن جا همراه مسیح، نظاره‌گر نابودی جهان و عذاب سخت خواهند بود؛

۵. زمانی که در جنگ آرماگدون ضد مسیح یا دجال در حال پیروزی است، مسیح همراه مسیحیان به بهشت می‌رود و ظهور می‌کند، ضد مسیح را شکست می‌دهد و حکومت جهانی خود را که مرکز آن بیت‌المقدس است، برپا خواهد کرد.^{۳۵}

از وجوه مشترک اعتقادات کسانی که مراحل چندگانه اندیشه مسیحیت صهیونیستی را بیان کرده‌اند، جنگ آرماگدون یا جنگ فرات است. جنگ آرماگدون در دره مجدو در دشت خزرال واقع در شمال اسرائیل و در ساحل غربی رود اردن روی می‌دهد. گفته می‌شود که آیه زیر در صحیفه حزقیال و زکریای نبی درباره این جنگ است: الف) باران‌های سیل‌آسا و تگرگ‌های آتش و گوگرد، موجب تکان‌های سختی در زمین خواهد شد. کوهها سرتگون می‌شوند، صخره‌ها خواهند افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهند شد؛

ب) گوشت پاهای ایشان در حالت ایستاده، کاهیده خواهد شد و چشم‌های آنها گذاخته می‌شود و زبان‌هایشان در دهانشان کاهیده خواهد شد.

مسیحیان صهیونیست با کنار هم قرار دادن این دو آیه، نتیجه می‌گیرند که این جنگ، اتمی و نوترونی خواهد بود.^{۳۶}

هزاره‌گرایی: گریس هال سل در دومین سفر خود به اسرائیل، از براد، مسیحی صهیونیست خواست تا روی دادهایی را که پیش از دوران هفتم روی می‌دهد، بیان کند. براد گفت:

حکومت جهانی امام زمان علیه السلام؛

(د) همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام.

۴. حقوق جزا:

(الف) مبانی قضاوت و داوری در حکومت امام زمان علیه السلام؛

(ب) اجرای حدود در عصر حضور؛

(ج) شیوه‌های پیش‌گیری از جرائم در حکومت امام

زمان علیه السلام؛

(د) سیاست کیفری حکومت امام زمان علیه السلام؛

(ه) آیین دادرسی در حکومت مهدوی.

۵. حقوق بشر:

(الف) اصل مساوات و برابری در حکومت جهانی

حضرت مهدی علیه السلام؛

(ب) آزادی اندیشه و بیان در حکومت امام زمان علیه السلام؛

(ج) شیوه برخورد امام زمان علیه السلام با مخالفان سیاسی خود؛

(د) آزادی و حدود آن در حکومت مهدوی؛

(ه) تساوی حقوق زن و مرد در حکومت مهدوی؛

(و) کرامت انسانی و حق تعیین سرنوشت در حکومت

امام زمان علیه السلام؛

(ز) حقوق مدنی - سیاسی در حکومت امام زمان علیه السلام؛

(ح) حقوق زن در حکومت حضرت مهدی علیه السلام؛

(ط) حقوق شهروندی در حکومت جهانی مهدوی؛

(ی) توسعه و رفاه اجتماعی در حکومت جهانی حضرت

مهدی علیه السلام؛

(ک) حریم خصوصی شهروندان در حکومت امام

زمان علیه السلام؛

(ل) حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حکومت

امام زمان علیه السلام؛

(م) حقوق همبستگی در حکومت جهانی مهدوی.

۶. اندیشه سیاسی (عصر غیبت صغرا)

(ضرورت‌های سیاسی، اجتماعی غیبت صغرا)؛

۷. اندیشه سیاسی (عصر غیبت کبرا)؛

(الف) ضرورت‌های سیاسی اجتماعی غیبت کبرا؛

مسیحی صهیونیستی‌سازی دولت به دلیل پیروزی‌های نظامی دولت لائیک اسرائیل و حمایت آمریکا از آن، ناکام ماند. بنابراین، جنبش کوشید تا مسیحی صهیونیستی‌سازی را از پایین (جامعه) آغاز کند و با دولت به مخالفت و مجادله برخیزد، چرا که به اعتقاد خاخام کوک: «همین دولت غیرمذهبی صهیونیستی، ابزار ناخودآگاه تحقق اراده مسیح موعود به شمار می‌آید.» به هر حال جنبش یهودی‌سازی از پایین در اسرائیل و مسیحی‌سازی از پایین در آمریکا، از وجوه مشترکی در فعالیت‌های مذهبی برخوردارند. آنها با طرح شعار پارسایی شخصی و پای‌بندی به موازین اخلاقی، جهت‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی مسیحیان و یهودیان غیربنیادگرای حاکم را زیر سؤال می‌بردند و آن را به ضرر رستگاری و تکاپوی اخروی و ظهور حضرت مسیح می‌دانستند و آنها را متهم می‌کردند که مسئولیت ابتدایی خود در تبلیغ کلام خداوند در عهد عتیق و عهد جدید را کنار نهاده‌اند. هفته‌نامه‌های تایم و نیوزویک، سال ۱۹۷۶ میلادی را سال مسیحیان و یهودیان بنیادگرا یا مسیحیت صهیونیستی نامیدند، زیرا مطبوعات افزون بر بی‌بردن به اهمیت این پدیده، پس از طی یک دوره تجدد حیات اخلاقی و بلوغ اخلاقی، خود را برای ورود به سیاست آماده کرده بودند.^{۲۴}

پسا مسیحیت صهیونیستی: از سال ۱۹۸۲ میلادی دوره پسا مسیحیت صهیونیستی آغاز می‌شود، چرا که مسیحیت صهیونیستی در آمریکا و اسرائیل، به قدرت رسید و از جنبشی مذهبی به یک حزب سیاسی حاکم تبدیل شد و کار یهودی و مسیحی‌سازی از بالا (حکومت) را آغاز کرد. مسیحیت صهیونیستی در این دوره، دو مرحله را گذرانده است:^{۲۵}

مرحله اول) در دوره نخست، کارتر و بیگن با برپایی کمپ دیوید به آرمان‌های این جنبش خیانت کردند که عقب‌نشینی از صحرای سینا را در پی داشت و با هدف باز یافتن راه رستگاری و با فرا رسیدن قلمرو توراتی اسرائیل، مغایرت داشت. به عبارت دیگر، به قدرت رسیدن جیمی کارتر انجیل‌گرا (۱۹۷۶ میلادی) آغاز مرحله ورود مسیحیان صهیونیست به سیاست است و مناخیم بیگن هم (۱۹۷۷ میلادی) از حزب لیکود به قدرت رسید، ولی آن دو با برپایی کمپ دیوید، آرمان‌های جنبش، اندیشه و نظریه مسیحیت صهیونیستی را تا زمانی نادیده گرفتند، اما با انتخاب رونالد ریگان و اسحاق شامیر، فضای عمومی و سیاسی، بیش از گذشته در اختیار مسیحیان صهیونیست آمریکایی و اسرائیلی قرار گرفت. شاید به این علت، ریگان ۱۹۸۳ میلادی را سال کتاب مقدس نامید.^{۲۶}

مرحله دوم) انتخاب شارون از لیکود (۲۰۰۱ میلادی) و بوش از جمهوری خواه (۲۰۰۱ میلادی) باعث تکمیل پروژه قدرت‌یابی مسیحیت صهیونیستی شد. هم‌زمان با انتخاب این دو، هال لیندسی در کتاب پیش‌گویی‌های انجیل؛ جای آمریکا کجاست؟ اثبات کرد که دولت آمریکا، رهبری جنگ آرماگدون (ضمیمه ۱) یا نبرد آخرالزمان را بر عهده دارد. نوردونر، استاد دانشگاه شیکاگو و پروفیسور تاریخ خاور نزدیک نیز از شدت شباهت سیاست خارجی بوش و شارون، شگفت زده شد و با صراحت بیان کرد که بین این دو رابطه‌ای طبیعی وجود دارد. در حقیقت، گروه بنیادگرایان مسیحی (ضمیمه ۲) بر هیئت حاکمه آمریکا تسلط یافته‌اند. اینان نه تنها عهده‌دار مناصب کلیدی در دولت بوش هستند، بلکه تشکیل‌دهنده هسته و حلقه‌های مشاورانی‌اند که با شکل

دادن به سیاست آمریکا و با تنظیم تأثیرگذارترین و مهم‌ترین روزنامه‌ها و نشریه‌های امریکایی، علیه سقط جنین، هم‌جنس‌بازی، هرزه‌گری و مواد مخدر به مقابله پرداختند. ایشان با به قدرت رسیدن بنیامین نتانیاهو در اسرائیل (۱۹۹۶ میلادی) در مورد نحوه مقابله اسرائیل با اعراب و لزوم سرنگونی صدام، به وی پیشنهادهایی دادند.^{۲۷} مسیحیت صهیونیستی هدف نخست خود را «مبارزه با شر اجتماعی» برگزید و از ۱۹۹۰ میلادی به بعد، به «مبارزه با شر بین‌المللی» روی آورد. آوری آنزوی، روزنامه‌نگار و نویسنده اسرائیلی با تأکید بر مطالب فوق می‌گوید: «امریکا جهان را تحت تأثیر قرار داده، و یهودیان امریکا را.»^{۲۸}

پسامسیحیت صهیونیستی، مراحلی را در شکل‌گیری طی کرده است. برای مثال، لوتر آموزه‌های توراتی را به میان مسیحیان پروتستان آورد. او به پیش‌گویی تورات درباره نجات بنی اسرائیل به منزله یک امت، ایمان آورد و گفت: «چه کسی می‌تواند روی از یهود برتابد و مانع بازگشت آن به سرزمین خویش در یهودا (فلسطین) شود.» در نیمه اول سده شانزده، پروتستان‌های پوریتنی پیمان‌هایی منعقد کردند که بر پایه آن، همه یهودیان می‌بایست، اروپا را به قصد فلسطین ترک کنند، و به این ترتیب، مسئله بازگشت یهودی‌ها رنگ و بوی سیاسی یافت. شکل‌گیری رسمی صهیونیسم در ۱۸۹۷ میلادی نقطه اوج صهیونیسم مسیحی بود. تأسیس دولت اسرائیل (۱۹۴۸ میلادی) آغاز ظهور نظریه مسیحیت صهیونیستی است، چرا که ایجاد دولتی یهودی، تحقق پیش‌گویی‌های توراتی به شمار می‌آید که اشغال قدس در سال ۱۹۶۷ میلادی، آن را به مرزهای توراتی نزدیک ساخت.^{۲۹} خاخام، مارک آرتانین باووم (رابط مشهور مسیحیان و یهودیان) این واقعه را عامل مؤثری در حیات مسیحیت صهیونیستی می‌داند: «از جنگ ۱۹۶۷ میلادی به بعد، پروتستان به علت هم‌دردی با فلسطین، از صهیونیست‌ها دور شد که این خلأ توسط مسیحیان بنیادگرا، مبلغان انجیلی (مسیحیان صهیونیست) پر گردید.»^{۳۰} قدرت‌یابی تدریجی جناح افراطی دست راستی در امریکا (بوش - ضمیمه ۳) و در اسرائیل (شارون) مسیحیت صهیونیستی را از عرصه فعالیت‌های مذهبی به قدرت سیاسی رسانید. پروفسور اسرائیل شاهاک استاد دانشگاه عبری و رئیس انجمن اسرائیلی حقوق بشر و حقوق مدنی این واقعه را این‌گونه بیان می‌کند:

حالا، صهیونیسم به طور کامل دنبال امریکا و وابسته به آن است. یعنی این اتفاق و اتحاد با مسیحیان راست نوین که هر اقدام نظامی یا جنایت‌کارانه‌ای که اسرائیل مرتکب می‌شود، صحنه می‌گذارد، برقرار شده است.^{۳۱}

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



حضرت مهدی علیه السلام؛

(ف) الگوی فرهنگ سیاسی در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام؛

(س) مبانی مشروعیت در نظام سیاسی مهدوی؛

(ق) ماهیت قدرت سیاسی در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام؛

(ر) الگوی توسعه سیاسی در دولت مهدوی؛

(ش) حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از منظر پژوهندگان غیر مسلمان؛

(ت) مبانی و حدود آزادی سیاسی در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام؛

(ث) جایگاه حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در میان تئوری‌های حکومت؛

(خ) راه کارها و ابزارهای اجرایی عدالت در حکومت امام زمان علیه السلام؛

(ذ) ساز و کار عدالت در نظام سیاسی مهدوی؛

(ظ) مبانی نظری حکومت جهانی امام زمان علیه السلام.

۱۰. جامعه‌شناسی سیاسی (عصر غیبت صغرا):

(الف) شرایط سیاسی اجتماعی جهان اسلام؛

(ب) بررسی وضعیت سیاسی اجتماعی شیعیان؛

(ج) جامعه‌شناسی سیاسی آن عصر؛

(د) نقش نواب خاص در مدیریت جامعه اسلامی؛

(هـ) جایگاه سیاسی اجتماعی نهاد و کالت؛

(و) عمل کرد سیاسی مدعیان نبوت؛

(ز) ابعاد و شیوه‌های مبارزه دشمنان با حضرت

مهدی علیه السلام؛

(ح) بررسی اقدامات سستیزم‌جویانه خلفای عباسی در مواجهه با آخرین امام؛

(ط) زمینه‌سازی سیاسی ائمه برای ورود شیعیان به غیبت صغرا.

۱۱. جامعه‌شناسی سیاسی (عصر غیبت کبرا):

(الف) سیمای سیاسی منتظران؛

(ب) جریان‌شناسی مهدوی در دوران معاصر؛

(ج) جریان‌شناسی سیاسی متمدنیان در تاریخ اسلام؛

(د) ماهیت و عمل کرد سیاسی اجتماعی انجمن حجتیه،

آثار و پی‌آمدهای آن؛

نکاتی درباره نظریه مسیحیت صهیونیستی

۱. کشیش‌های انجیلی: بیلی گراهام، جری فالول، پت رابرتسون، هال لیندسی، مایک ایوانس، جورج کاری، جیمی سواگارت، الیور کرامول، پاول فلگن‌هاور، کارتیس، پالووس قدیس، ویلیام تیندل، جان. ن. داربی، ویلیام میلر، جوزف اسمیت، اورسون هاید، جان توماس، تری رسین‌هو، رالف ریچ، جیم باکر، جری وای‌نر، یاستور جان‌هاگی، جان کوتون، جان وین‌تروپ، دیوید آلن لویس، دی. ال. مودی، ویلیام بلاکستون، فرانکلین گراهام، جیم رووینسون، اورال رابرتس، رابرت شورلر، گری فریزر، الوامارتین، آروین بکستر، کشیش جونز.

۲. کتاب‌های انجیلی: مرگ کره زمین از هال لیندسی، دنیای نوینی دارد فرا می‌رسد از هال لیندسی، در تدارک جنگ بزرگ از گریس هال سل، جنگ جوی انجیل از گریس هال سل، عیسی مسیح، یهودی زاده شد از مارتین لوتر، تکاپوی ۲۰۰۰ از جان نسیت و پارشیا البردین، جنگ مقدس از آرمسترانگ، دوسفر به قدس از ناتانیل کروچ، بر جای مانده از تیم لاهه (۲۱ جلد)، آموزه‌های خداوند با نظر به اسرائیل از یک مسیحی بنیادگرا، در پیش‌گویی‌های انجیل؛ جای امریکا کجاست؟ از هال لیندسی، مسیح می‌آید از بلاکستون، جنگ برای بیت المقدس از جان‌هاگی، معبد روزهای آخرالزمان از جان شمیت، معبد مسیح که می‌آید از کارل لانی، خیانت به بیت المقدس و آیا این آخرین قرن است؟ از وبروهای چینگر، انجیل مرجع اسکوفیلد، اراده خداوند از ژیل کیل.

۳. فیلم‌ها و مراکز آموزشی انجیلی: فیلم آرماگدون، ماتریکس، شمارش معکوس تا آرماگدون، امگا کد (یامگیدو)، اسرائیل؛ کلید نجات امریکا، قدس - دس - س، نوستر آداموس، فیلم اکسودوس (مهاجر بنی اسرائیل از مصر به کنعان)، مردی که آینده را می‌دانست، روز استقلال.

دانشگاه هاروارد، دانشگاه باب جونز کالیفرنیا، جنوبی، انستیتوهای پژوهشی مانند: هاوسن انستیتوت، هری تیچ خوندیش، امریکان انتر پرایز اینستیتوت، دانشکده پیش‌گویی‌های لاهیه در لینچ برگ.

۴. خلاصه‌ای از عقاید مسیحیت صهیونیستی: بازگشت یهودیان به فلسطین، ایجاد دولت یهود، موعظه انجیل به بنی اسرائیل و تمام مردم دنیا، حصول به مرحله وجد Rapture (به بهشت رفتن کلیه کسانی که به کلیسا ایمان آوردند)، دوران فلاکت به مدت هفت سال؛ در این مرحله یهودیان و دیگر مؤمنان ظلم خواهند دید و سرانجام صالحان با پیروان دجال به نبرد خواهند پرداخت، وقوع جنگ آرماگدون، شکست لشکریان دجال و استقرار پادشاهی مسیح به پایتختی اورشلیم، مشروعیت یافتن بهره و ربا، مبارزه با لیبرال‌ها، مبارزه با سقط جنین، مبارزه با فمینیسم، مخالفت با شبیه‌سازی انسان، مخالفت با بیماری ایدز، مخالفت با عقیم‌سازی و جلوگیری از حاملگی، هدایت و نجات انسان‌ها، مخالف مالیات‌گیری از مؤسسات آموزش خصوصی، تأکید بر نبی‌شناسی مدارس، اصرار بر ابلاغ پیام مسیح، بسط ارزش‌های دموکراتیک، پس زدن ارزش‌های غیرمذهبی، موافق با دگرگونی عمیق در اخلاق اجتماعی، مخالفت با آموزش جنسی در مدارس، تلاش در راه اعتلای انجیل، لزوم پاسخ‌گویی به نیازهای روحانی مؤمنان مسیحی، حمایت از خانواده و مدارس مذهبی، تبلیغ کتاب مقدس، مبارزه با شرّ

اجتماعی، مخالفت با سکس و خشونت رسانه‌ای، ضرورت روی آوردن دوباره به آیین مسیح، مخالف با آزادی بیان امور جنسی، هویت بخشیدن به خانواده و لزوم رعایت اخلاق در آن، اعتقاد به لزوم اشاعه بدون مانع عقاید دینی، ضرورت مسیحی کردن دوباره مردم، بی‌اعتمادی به دولت‌های عرفی (غیر مذهبی): نخست نجات فرد و سپس رفاه آن، حمایت از جامعه مذهبی نه جامعه مدنی، ادای نماز و آداب دینی به زبان محلی نه به لاتین، مخالف فعالیت جنسی کودکان.

۵. ابزارها و روش‌های تبلیغی: سایت‌های اینترنتی، خبرنگارها، نوارهای ویدئویی، نوارهای صوتی، تلویزیون، مطبوعات، رادیو، کتاب‌ها، کنفرانس‌های تعلیمی، تورهای زیارتی، دانشگاه‌ها، سینمای هالیوود، روزنامه‌ها و خبرنگارها و فیلم‌های رایگان، اداره امور سمینارها، سازمان‌دهی فعالیت‌هایی برای حمایت مالی از اسرائیل و افزایش فروش محصولات آنها، دعا برای اسرائیل، شبکه‌های دیداری و شنیداری، مؤسسات پژوهشی، ستادبوم‌های ورزشی، گردهمایی‌های مردمی، استفاده از تلفن برای تبلیغ، شوی تلویزیونی، نوارهای کاست، کلیسا، مدارس، سازمان‌های کلپ‌ها، جمع‌آوری کمک‌های مالی ملی، فاکس، تماس با اعضای کنگره، احداث مراکز آموزشی انجیلی و جذب و تربیت دانشجو.

موعظه نمودن، القا کردن، تشویق حامیان و تبلیغ اندیشه‌ها، وعده‌دادن به بهشت اخروی، تحریف واقعیت‌های دین، توهین به مقدسات ادیان دیگر، تشویق به دعا برای اسرائیل، فریب و نیرنگ و استعمار، تأثیرگذاری در سیاست‌های خارجی، روش‌های نظامی، حمایت‌های اقتصادی از معتقدان به این اندیشه، ایجاد گروه‌های مذهبی، جذب افراد از دیگر فرهنگ‌ها و کشورها از راه اعطای کمک‌های اقتصادی، دورسازی شیطان از انسان، غسل تعمید دوباره بزرگسالان، اتحاد با راست افراطی.

۶. برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی: برنامه تلویزیونی از جک‌وان ایمپ، پت رابرتسون، و جری فالون از شبکه تلویزیونی کلپ ۷۰۰، برنامه تلویزیونی اسرائیل رمز بقای آمریکا از شبکه تلویزیونی سی. بی. اس، بزرگ‌ترین مرکز رادیویی یهودی به نام *Jm in the A.M* متعلق به سگال، شبکه جیم بیکر، شبکه جیمی سوهرت، شبکه تلویزیونی مسیحیان آمریکا، برنامه روز اکتشاف از کنت کوپلند و ریچارد دوهان، ایستگاه تلویزیونی جنوب لبنان، شبکه تلویزیونی فاکس نیوز، لحظات یهودی در صبح‌گاه، ساعت بشارت از جری فالول، خانواده در مرکز توجه از رابرتسون.

۷. رهبران و شخصیت‌های سیاسی انجیلی: جیمی کارتر، رونالد ریگان، جرج بوش، مور تیمر زوکرمن، رابرت وکسر، استانی گولدفوت، آرتور بالفور، براندیس، ویلسون، آنتونی اشلی، لوید جرج، وارد کرسون، ادویس شرم وایس، جوسیواگ وود، جان وان، دوایت گیسون، جیمیس وات، الینگ وود، مالکوم هوشن‌لین، گری بوئر، ویلیام پینت، لیندون لاروش.

۸. نشریات انجیلی: واشنگتن تایمز، نیویورک تایمز، خبرنگارهای که توسط دارل یانگ از کلیسای گت سمین بپتستیت در دانویل کنتاکی منتشر می‌شود، نشریه و ماهنامه جهان اورشلیم، گروه خبری حقیقت اورشلیم، مجله گزارش خاورمیانه از ICEJ، روزنامه سازمان CFICDF، گاهنامه‌هایی مانند: نشنال ریویو، کماتری، نیوریابلیک، هفته‌نامه ویکلی استاندارد، وال استریت ژورنال و...

۹. اسامی مختلف مسیحیت صهیونیستی: انجیل‌گرای توده‌ای، بخشوده‌شدگان، مسیحیان دوباره، بنیادگرایان مسیحی، جناح راست جدید مسیحی، انجیل‌گرایان مسیحی، مسیحیان احیاشده، صهیونیسم مسیحی، نهضت انجیل‌گرایی آمریکایی، جناح راست افراطی، گروه متعصب مسیحی، مسیحیان دوباره متولد شده، راست مسیحی، موعظه‌گرایی انجیلی، هزاره‌گرایی.

۱۰. جمعیت مسیحیان صهیونیست: درباره جمعیت آنها در آمریکا به صورت‌های مختلف گفته شده است، مانند: جمعیت آنان بین چهل تا هفتاد و گاه تا صد میلیون تخمین زده می‌شود. حدود بیست درصد جمهوری خواهان دارای اندیشه انجیلی هستند. گاهی بیست و پنج درصد و یا یک چهارم جمعیت آمریکا را مسیحی صهیونی



می‌دانند. بر اساس نظرسنجی مجله تایمز در ۱۹۹۸ میلادی، پنجاه و یک درصد مردم آمریکا دارای این اندیشه‌اند. از هر چهارده اصول گرای مسیحی سه نفر مسیحی صهیونیست است. تعداد نه تا شانزده میلیون خانواده، برنامه‌های مسیحیان صهیونیستی را می‌بینند. تعداد ۱۲۰۰ جنبش و گروه آمریکایی به نوعی آرماگون را قبول دارند.

تضاد اندیشه امام خمینی و صهیونیست

امام خمینی (ره) کشف اسرار اولین نوشته سیاسی خود را در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی منتشر کرد و یک سال بعد، نخستین بیانیه سیاسی‌اش را منتشر نمود، اما هیچ‌گاه از تئوری به عمل سیاسی پا نگذارد، زیرا اعتقاد داشت هر حرکت سیاسی باید از راه مرجعیت عامه صورت گیرد. اگر چه امام غالباً در دوره مرجعیت آیت‌الله بروجردی، مشاور یا نماینده سیاسی وی در مجلس مؤسسان (۱۳۲۸ شمسی) بود، اندکی پس از فوت آیت‌الله بروجردی (فروردین ۱۳۴۰ شمسی) و با تصویب طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی (مهر ۱۳۴۱ شمسی) به عرصه مبارزه با رژیم پانهاد و تا بهمن ۱۳۵۷ شمسی به این مبارزه پای‌بند ماند. یکی از دلایل جدال طولانی امام و شاه، مسئله فلسطین، اسرائیل، یهود سیاسی (صهیونیست) و مسائل مرتبط با آن، مانند تصدی و یا به‌کارگیری بهائیان اسرائیلی در پست‌های مملکتی و نظایر آن بوده است.^{۳۹} درستی این مطلب با مروری به گفتار و مواضع امام خمینی (ره) در همان سال‌های آغازین نهضت اسلامی مردم ایران، روشن می‌شود.

یهود: یهودیان در نظریه مسیحیت صهیونیستی، برگزیده خداوند هستند. به همین دلیل، خدا هیچ‌گاه مردم یهود را رها نکرده است. اگر زمانی آنان را متفرق ساخت، دوباره آنها را در ارض موعود جمع کرد. در واقع، خداوند، یهود را برگزید تا برنامه رستگاری‌بخش خود را برای تمام جهان آشکار سازد و بدون ملت یهود، اهداف خداوند به کمال نخواهد رسید. از این رو، اشاره امام خمینی به یهود و تأکید بر آن، در نیمه اول دهه ۱۳۴۰ شمسی، معنا می‌یابد:^{۴۰}

حاجی‌های بدبخت که وقتی می‌خواهند به آنها تذکره بدهند، باید چقدر زحمت بکشند، چقدر رشوه بدهند، وقتی هم مکه می‌روند در منا، حتی آن نماینده بی‌عرضه شکایت می‌کند که فلان آقا را بگیرید، چون که حرف حق زده... و گفته اسلام از دست یهود در خطر است. آقا مگر شما یهودید؟ مگر مملکت ما، مملکت یهود است.^{۴۱}

تنها یهودیان ایرانی که اغلب آنها بر آرمان‌های ملی (ایرانی) باقی مانده‌اند، مراد از یهود در این کلام نیستند بلکه مراد یهودیانی هستند که همواره خطری بزرگ برای اسلام به شمار می‌روند. واکنش مخالفان امام به این سخن که: «اسلام از دست یهود در خطر است»، تأیید می‌کند که یهودیان به نابودی اسلام می‌اندیشند. بنابراین سخن، نظریه مسیحیت صهیونیستی نیز تأیید می‌شود؛ قدرت‌مندی و افزایش جمعیت یهودیان در عصر قبل از ظهور مسیح تا در رکاب مسیح بر سپاه شر و سیاهی یعنی لشکر غیریهودی - مسیحی پیروز شوند.

آقایان علمای اعلام، خطبای طلاب، همه با هم، هم‌صدا بگویند که آقا

(ه) نقد و بررسی عملکرد گروه‌ها و جریان‌های سیاسی اجتماعی فعال در زمینه مهدویت؛

(و) نقش منجی‌گرایی در جنبش‌های اسلامی؛

(ز) کارکرد سیاسی اجتماعی نماز جمعه در عصر غیبت؛

(ح) الگوی جامعه‌پذیری سیاسی فرهنگ مهدویت در

عصر غیبت؛

(ط) نقش حکومت ولایتی در زمینه‌سازی حکومت جهانی حضرت مهدی؛

(ی) شبوه‌های ترویج فرهنگ مهدوی در جامعه اسلامی؛

(ک) تأثیر فرهنگ مهدویت بر رفتار کنش‌گران سیاسی؛

(ل) کارکردهای سیاسی فرهنگ مهدوی در جامعه اسلامی؛

(م) رسانه‌ها و مهدویت؛

(ن) کارکردهای سیاسی برگزاری دعای ندبه در جامعه اسلامی؛

(س) آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی مهدویت در جامعه اسلامی؛

(ع) نقش مهدویت در انقلاب اسلامی؛

(ف) شگردهای سیاسی نظام رسانه‌ای غربی در مقابله با فرهنگ مهدویت؛

(ص) موضع سیاسی غرب در مقابل فرهنگ مهدویت.

۱۲. جامعه‌شناسی سیاسی (آستانه ظهور):

الف) جامعه‌شناسی سیاسی آستانه ظهور؛

ب) نقش جنگ و خشونت در انقلاب حضرت

مهدی علیه السلام؛

ج) وضعیت سیاسی جهان در آستانه ظهور؛

د) وضعیت سیاسی و اجتماعی مسلمانان در آستانه

ظهور؛

ه) فرآیند شکل‌گیری لشکر و یاران حضرت

مهدی علیه السلام؛

و) موضع دشمنان و مخالفان سیاسی حضرت در

آستانه ظهور.

۱۳. جامعه‌شناسی سیاسی (عصر ظهور):

الف) ویژگی‌های کارگزاران حکومت امام زمان علیه السلام؛

ب) جایگاه احزاب و گروه‌های سیاسی در حکومت امام

زمان علیه السلام؛

ما نمی‌خواهیم که یهود بر مقدرات مملکت ما حکومت کند و مملکت ما با مملکت یهود هم پیمان شود.^{۳۳}

هم‌پیمانی یهود سیاسی (صهیونیسم) با ایران در دوره پهلوی دوم از جهاتی تأمل‌پذیر است:

(الف) فریب بود؛

(ب) ضعیف‌سازی ایران را در عرصه‌های مختلف دنبال می‌کرد؛

(ج) آنان را در حمایت ایرانیان هواخواه نظریه مسیحیت صهیونیستی و دفع مخالفان یاری می‌کرد؛

(د) به قدرت‌یابی بنی‌اسرائیل ختم می‌شود.

البته از کلام امام هم می‌توان فهمید که هدف هم‌پیمانی یهود سیاسی با ایران پهلوی، تسلط بر مقدرات کشور و مملکت بود.

۳. «در دو سه روز پیش از این، در شانزده شهریور در تهران، دروازه دولت با یهودی‌ها بساطی درست کردند، چهار صد، پانصد نفر دور هم جمع شدند و خلاصه حرف‌شان این بوده که... مجد، مال یهود است، یهود برگزیده خدا، و ما ملتی هستیم که باید حکومت کنیم. بدبختی یک مملکت اسلامی و مسلمین است که با دولتی که الان دشمن اسلام است و در مقابل اسلام ایستاده است و فلسطین را غصب کرده است اتکا یا ارتباط پیدا کنند، و یا پیمان ببندد. من به دول اسلامی می‌گویم که آقا چرا سر نهر دعوا می‌کنید؟ ای بی‌عرضه‌ها، فلسطین مغضوب است، یهود را از فلسطین بیرون کنید.»^{۳۴} در نظریه مسیحیت صهیونیستی، ابتدا، یهود باید مجد یابد و بدون آن، مسیح نمی‌آید؛ مجد یهود با تأسیس دولت یهودی در فلسطین محقق می‌شود. اگر فلسطین از دست یهود سیاسی خارج شود، مجدی برای یهود نخواهد بود. به علاوه، سخن امام در لعن یهودیان سیاسی است، در حالی که خداوند در نظریه مسیحیت صهیونیستی، کسانی را که برای یهودیان دعای خیر کنند، برکت می‌دهد و افرادی که یهودیان را لعن و نفرین کنند، لعنت خواهد کرد.

۴. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

اگر شاه با یهود صهیونیست، ائتلاف نکرده، چرا نمی‌گذارد که در مخالفت با ایده صهیونیستی تشکیل دولت یهودی، سخن بگویم. یهودیان صهیونیست می‌گویند حکومت مال ماست، باید یک سلطنت و حکومت جدیدی به وجود بیاید... اینها در حکومت (ایران) نفوذ کرده‌اند، از آنها بترسید، می‌ترسم روزی چشم‌های تان را باز کنید که هستی شما را از بین برده‌اند، من از این می‌ترسم، خودتان اینها را از بین ببرید، اگر نمی‌برید، بگذارید ما آنها را از بین ببریم. بالاخره یک روزی من آنها را از بین می‌برم.^{۳۵}

این سخنان به دو مسئله مهم اشاره دارد: اولاً، شکل‌گیری نهضت اسلامی ایران ارتباط مستقیم با یهود، اسرائیل و صهیونیست دارد و از این رو یکی از هدف‌های آن، نابودسازی یهود سیاسی خواهد بود؛ ثانیاً، تشکیل دولت یهودی، ایده حکومت‌سازی یهودی، نفوذ آنان در حکومت‌ها، تأسیس حکومت جدید، از شاخصه‌های برجسته نظریه مسیحیت صهیونیستی هستند. حکومتی که به دنبال آن هستند، از این جهت جدید است که: الف) عمری هزار ساله دارد؛ ب) در رأس آن، پیامبری الهی قرار می‌گیرد؛ ج) پر از عدل و داد است. البته، امام خمینی (ره) بهائیان ایرانی را جزئی از همین یهودیان می‌داند، بنابراین فرمودند:

ما حاضر نیستیم، استان‌های این کشور تحت تصرف بهایی‌های یهود در آید. خطر بر اسلام وارد شده و آن خطر یهود است و حزب یهود... همین حزب بهائیت است. امروزه بهائیت را در ادارات راه می‌دهند و با یهودی‌ها ارتباط برقرار می‌کنند.^{۳۵}

از سخنان امام چنین استنباط می‌شود که: یهود سیاسی، مؤلفه نخست و برجسته نظریه مسیحیت صهیونیستی است. امام خمینی (ره)، از آن جهت که این ایده به دنبال حکومت و بقای خود بر فلسطین هستند، و فکر سلطه بر



ج) نقش و جایگاه زنان در حکومت حضرت مهدی (عج)؛

د) طبقات اجتماعی و جایگاه آنان در حکومت امام زمان (عج)؛

ه) جایگاه نخبگان در حکومت حضرت مهدی (عج)؛
و) مدینه فاضله و حکومت امام زمان (عج).

۱۴. مباحث تطبیقی:

الف) دیدگاه و عمل کرد مسیحیت صهیونیسم درباره مهدویت؛

ب) مفهوم عدالت در گفتمان مهدویت و اندیشه‌های سیاسی غرب؛

ج) منجی‌گرایی در نظریه‌های سیاسی معاصر.

۱۵. روابط بین الملل

الف) نظم نوین جهانی و ارتباط آن با حکومت جهانی امام زمان (عج)؛

ب) جهانی شدن و حکومت امام زمان (عج)؛ تعامل یا تعارض؛

ج) آثار و بی‌آمدهای جهانی شدن و مسئله مهدویت؛

د) امکان سنجی تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) در حال حاضر؛

ه) وضعیت قدرتها در آستانه ظهور.

جهان را در سر دارند، به آن حمله می‌کند، ولی ظاهراً امام در پی مبارزه با ایده مسیحیت صهیونیستی است؛ ایده‌ای که اسرائیل بر اساس آن شکل گرفته بود.

اسرائیل: عنصر کلیدی دیگر در نظریه مسیحیت صهیونیستی، تأسیس دولت یهودی در ارض موعود، متشکل از یهودیان مهاجر به ارض موعود است، زیرا به اعتقاد آنان خداوند سرزمین فلسطین را به یهودیان بخشیده است و فلسطینی‌ها حقی بر آن ندارند. به علاوه، عدم حمایت از اسرائیل مجازات خدا را به دنبال دارد و نیز باعث خشم مسیح می‌شود. مسیح حامی اسرائیل است و همیشه در امور خاورمیانه به سود دولت اسرائیل مداخله می‌کند.^{۴۶} بنابراین، سخن امام در مورد اسرائیل، سخن از مهم‌ترین مؤلفه اعتقادی مسیحیت صهیونیستی است. بخشی از سخنان امام در این باره چنین است:

۱- نخستین بار امام خمینی (ره)، نام اسرائیل را در سخنرانی ۲۹ اسفند ۱۳۴۱ شمسی به زبان آورد و در آن فرمود:

مربی ما آمریکا و انگلیس و اسرائیل نیست، مربی ما خداست، پس برای چه ترسیم^{۴۷}

در این سخن، سه نکته مرتبط با مسیحیت صهیونیستی وجود دارد: الف) این نظریه در پی مربی‌گری جهانیان است؛ یعنی با تبلیغ، افکار عمومی را به سوی حقانیت و فراهم آوردن حاکمیت خویش بر کل جهان جلب می‌کند، ولی امام، مربی و ارباب خود و نهضتش را خدا می‌داند؛ ب) کنار هم قرار دادن آمریکا، انگلیس و اسرائیل، نشانه آگاهی از تأثیر انگلیس و آمریکا به مثابه زایش‌گران اولیه نظریه مسیحیت صهیونیستی و جدی‌ترین حامیان مهاجرت یهودیان و تأسیس اسرائیل در ارض موعود است؛ ج) نظریه مسیحیت صهیونیستی با جنگ آغاز می‌شود (۱۹۴۵ میلادی) و با جنگ ادامه می‌یابد (دوره محنت) و با جنگ پایان می‌پذیرد (آرماگدون)؛ یعنی در پی ترساندن دیگران و سلطه بر آنان است، اما امام می‌گوید ما از این چیزها نمی‌ترسیم.

۲. در سخنرانی دیگری، بود و نبود اسلام، روحانیت و قم را به اسرائیل پیوند می‌زنند:

قم موی دماغ بود، منتها نمی‌توانستند به صراحت لجه بگویند، قم، نه، می‌گفتند: نجف آره، مشهد آره، دنیا از آن وقت برای نابودی روحانیت و دنبال آن، نابودی اسلام و نفع رساندن به اسرائیل نقشه می‌کشیدند.^{۴۸}

از نگاه نظریه پردازان مسیحیت صهیونیستی، اسلام، روحانیت و قم می‌توانند سه مانع برای آمدن مسیح باشند. زیرا اسلام و به ویژه شیعه، نظریه‌ای برای پایان تاریخ دارد که در تعارض با نظریه پایان تاریخی مسیحیت صهیونیستی است و روحانیت، مهم‌ترین مبلغان چنین اندیشه‌ای هستند. هم‌چنین از مراکز مهم تولید و بازتولید سیاسی نظریه موعود اسلامی، حوزه علمیه قم است؛ حوزه‌ای که در ناخرسندی از حوزه غیر سیاسی نجف و مشهد پدید آمد و قوام یافت.

۳. سخنرانی عصر عاشورای سال ۱۳۴۲ شمسی امام، نیز درباره سد راه بودن اسلام، روحانیت، قم و... برای نظریه‌ای که اسرائیل رکن مهم آن است، این چنین بود:

اینها با اساس مخالفند، اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت دانشمند باشد،

اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد، اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علمای دین باشند، نمی‌خواهند احکام اسلام باشد. اسرائیل با دست‌عمل سیاه خود، مدرسه را کوبید، می‌خواهند اقتصاد شما را قبضه کنند، می‌خواهند زراعت و تجارت شما را از بین ببرند، می‌خواهند ثروت‌های این مملکت را به دست‌عمل خود تصاحب کنند و این چیزها را که سد راه هستند، بشکنند، قرآن سد راه است، باید شکسته شود، روحانیت سد راه است، باید شکسته شود، مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود. طلاب علوم دینی ممکن است بعدها سد راه شوند، باید از پشت بام بیفتند و سر و دست آنها شکسته شود، برای این که اسرائیل به منافع خود برسد، دولت ما به تبعیت اسرائیل ما را اهانت می‌کند.^{۴۶}

این سخن و به ویژه عبارت: «اسرائیل به دست‌عمل سیاه خود، مدرسه را کوبید و...» می‌گوید که اسرائیل دشمن شماره یک مردم ایران است، چرا که اسرائیل در مقابل نهضت امام خمینی (ره) ایستاده است مقابل با اسرائیل مهم‌ترین علت نهضت امام خمینی (ره) به شمار می‌رود. در این سخنان از امریکا، انگلیس و شاه سخنی نیست، زیرا همان‌گونه که گریس هال سل می‌گوید: «نظام اعتقادی کسانی که خدانشناسی هارمجدون را تبلیغ می‌کنند، بر روی سرزمین انجیلی صهیون و دولت صهیونیستی اسرائیل متمرکز است»، بنابراین وقتی امام سخن از اسرائیل می‌گفت، گویی سخن از کسانی بود که به خدانشناسی هارمجدون اعتقاد داشته و دارند.^{۴۷}

۴. اقدام و اصرار ساواک در دور نگاه داشتن مبارزان اسلامی و پیروان امام خمینی (ره) از حمله به اسرائیل، می‌تواند مؤید این تحلیل باشد که آنها هم مبارزه امام را بیش از آن که متوجه امریکا بدانند، علیه اسرائیل می‌دیدند. امام در این باره می‌گوید:

امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را به سازمان امنیت برده‌اند، شما سه چیز را کار نداشته باشید و دیگر هر چه می‌خواهید بگویید: یکی، شاه را کار نداشته باشید، یکی هم اسرائیل را کار نداشته باشید و دیگر این که نگویید دین در خطر است. خوب اگر ما این سه تا امر را کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟ ما هر چه گرفتاری داریم، از این سه تا هست.^{۴۸}

چرا در این سخنان، از امریکا که ظاهراً بزرگ‌ترین حامی شاه است، سخنی نیست، چرا سازمان امنیت به جای آن که بگوید، علیه امریکا سخن نگویید، از اهل منبر می‌خواهد که علیه اسرائیل، سخن نگویید، به علاوه، روابط بین شاه و اسرائیل چگونه بود که ساواک آن دو را در کنار هم می‌گذارد، آیا به نظر سازمان امنیت، شاه، اسرائیلی است، چرا امام از رابطه شاه و اسرائیل ناراحت است، آیا همه اینها، با نظریه‌ای که با تأسیس دولت یهودی، در پی سلطه بر جهان است، پیوند نمی‌خورد، جهانی که در آن از اسلام خبری نیست و مسلمانان در آن دیده نمی‌شود؟^{۴۹}

۵. امام خمینی (ره)، برنامه‌های اصلاحی شاه را از جانب اسرائیل می‌دانست، از استفاده شاه از کارشناسان نظامی اسرائیل نگران بود و با اعزام محصلین ایرانی به اسرائیل مخالفت می‌کرد این سؤال را می‌پرسد که چرا شاه در کنار ترکیه باید از اسرائیل حمایت کند؟ امام، اینها را به صلاح مملکت نمی‌دانست و احتمال می‌داد که با حمایت شاه از اسرائیل، مسلمانان سنی، شیعیان ایرانی را یهودپرست بخوانند. نهضت اسلامی از پیمان ایران و اسرائیل تبری می‌جوید و عقیده دارد که دین اسلام اقتضا می‌کند با سلطه اسرائیل موافقت نکند. در حالی که امام مطمئن است تمام اقتصاد مملکت در دست اسرائیل است، عمال اسرائیل، اقتصاد ایران را قبضه کرده‌اند، بیشتر کارخانه‌ها، تلویزیون، کارخانه ارج و پیسی کولا از سوی آنها اداره می‌شود.^{۵۰}

چرا اسرائیل در پی سلطه بر ایران بود؟ یکی از پاسخ‌ها این است که ایران در طرح آرماگدون، نقش برجسته دارد، به دو جهت: اول) انبوهی از ایرانیان در نبرد آرماگدون، در نقطه مقابل سپاه مسیحی یهودی قرار دارند؛ دوم) سپاهی که از شرق می‌آید و از فرات عبور می‌کند و خود را به آرماگدون می‌رساند، از ایران می‌گذرد. پس باید از همین امروز، ایران را کنترل کرد و آن را ضعیف ساخت تا خطر آن در نبرد آخرالزمان، کاهش یابد. ضرورت ضعیف



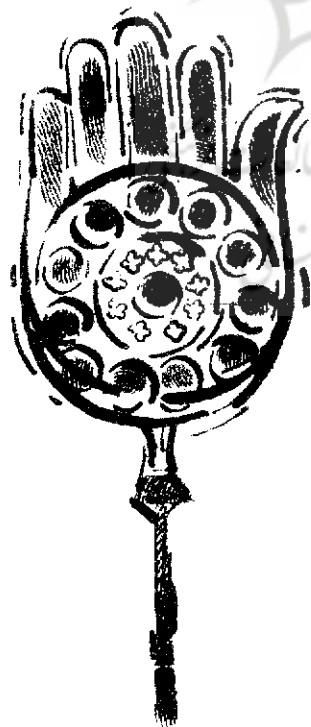
نگاه داشتن ایران در نظریه مسیحیت صهیونیستی، در سخنان رایس، وزیر خارجه امریکا آمده است: «اسرائیل کلید امنیت دیروز و فردای جهان است.»^{۵۴}

عز آن چه امام از آن سخن می‌گفت، پدیده جدیدی نبود، بلکه ریشه در تاریخ داشت، ولی بالندگی آن به جنگ جهانی دوم و به ویژه به ۱۹۴۵ میلادی (تأسیس اسرائیل) برمی‌گشت، امام در این باره فرموده‌اند:

من [آن چه] به شما عرض می‌کنم، مطلبی نیست که مال این چند ماهه باشد، این مطلب ریشه دار است. مطلبی است که مال چند سال پیش از این است. اگر نگویم چهل و چند سال پیش از این، لاقلاً بیست سال پیش از این است که اینها نقشه‌شان، این بود که قم نباشد... اینها از آن وقت نقشه کشیدند برای نابودی روحانیت و دنبالش نابودی اسلام و دنبالش نفع رساندن به اسرائیل و عمال اسرائیل.^{۵۵}

در واقع، یهودسوزی افسانه‌ای هیتلر (۱۹۴۲ میلادی)، اعلامیه تأسیس اسرائیل (۱۹۴۸ میلادی) و اشغال بیت‌المقدس (۱۹۶۷ میلادی) حوادثی هستند که تابلوی راهنمای بازگشت دوباره مسیح را تصویر می‌کند؛ یعنی بدون اسرائیل، برنامه‌های مبتنی بر پیش‌گویی مسیحیان صهیونیست از بین خواهد رفت. گام اول در تأسیس اسرائیل، همان اسرائیل کوچک یا سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ میلادی است. در مرحله بعد، اسرائیل میانی تأسیس یافت که دربرگیرنده کل خاک فلسطینی است که در ۱۹۶۷ میلادی اشغال شد. اسرائیل میانی می‌تواند محل فرود آمدن مسیح باشد، چون مسجد صخره و قدس را در اختیار دارد. ولی بی‌شک اسرائیل از نیل تا فرات به مرزهای توراتی نزدیک‌تر است و زمینه بیشتری را برای آمدن مسیح فراهم می‌آورد.

در سال‌های نخستین دههٔ چهل، موضع‌گیری نیروهای مذهبی و امام خمینی (ره) نسبت به اسرائیل منحصر به فرد است،^{۵۶} از این رو، آیا اگر اسرائیل به نابودی اسلام همت نمی‌یست و در واژگونی اقتصاد و سیاست ایران نمی‌کوشید، در این صورت انقلاب اسلامی شکل می‌گرفت؟ اگر تأثیر منحصر به فرد عامل اسرائیل در پیدایی انقلاب اسلامی را اغراق‌آمیز بدانیم، آیا نمی‌توان اسرائیل را یکی از چند مؤلفه اصلی پیدایی انقلاب اسلامی دانست؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

پرتال جامع علوم انسانی

تضادهای نهضت امام خمینی و پدیده اسرائیل

در کنار تضاد آشکار مهاجرت یهود به ارض موعود و تأسیس دولتی یهودی در آن با نهضت امام خمینی (ره)، مشخصه‌های دیگری نیز در نظریه مسیحیت صهیونیستی به چشم می‌خورد که در تبیین با حرکت اسلامی دهه چهل و پیام‌ها و آرمان‌های آن قرار می‌گیرد:

۱. تأکید وافر این نظریه بر دو مؤلفه مهاجرت یهودیان و تأسیس دولت یهود در ارض موعود، اصلاً به معنای مذهبی بودن آن نیست، در حالی که نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی پدیده‌ای مذهبی است و احیای مذهب در جهان را ارمان آورده است؛ یعنی نظریه و اندیشه مسیحیت صهیونیستی، علی‌رغم ظاهری مذهبی، باطنی غیر مذهبی دارد، از این رو، گریس هال سل پیروان آن را ضد خدا می‌داند. طبیعتاً آنها مخالف مسیحیان فلسطینی خواهند بود. ... هم‌چنین، نباید تعجب کرد که در سفرهای زیارتی از موعظه مسیح، کردار مسیح و از پیام صلحش سخنی نباشد.^{۵۷}

۲. چگونه نظریه و اندیشه‌ای که ادعای مذهبی بودن دارد، طبل جنگ می‌کوبد و در تمام بیکره آن جنگ موج می‌زند. از این‌رو، رابرتسون در برنامه باشگاه ۷۰۰، تبلیغ می‌کند که همه شرایط برای نبرد هارمجدون مهیاست. در کنگره سال ۱۹۸۵ میلادی مسیحیان صهیونیست، سخنی از صلح نیست. فالول، شارون جنگ طلب را از زمره بزرگ‌ترین مردان جهان دانست. مسیحیان صهیونیست معتقدند که اسرائیل به سلاح نیاز دارد نه صلح و علاقه ندارند که کشوری دشمنان اسرائیل را مسلح کند. آنان می‌گویند اسرائیل دو راه حل بیش ندارد: یا جنگ یا نابودی. نظریه مسیحیت صهیونیستی، اندیشه نابودی ایران و روسیه را در طرح کلی خود دارد و به همین جهت، وقوع آرماگدون یا جنگ آخرالزمان را در خاورمیانه می‌داند. پیام خداشناسی هارمجدون جنگ را اجتناب‌ناپذیر می‌داند، در واقع در ادبیات آنها، جایی برای صلح وجود ندارد، زیرا هر صلحی موجب به تأخیر افتادن واقعه ظهور مجدد مسیح عَلَيْهِ السَّلَام می‌شود.^{۵۸}

۳. زالمن شووال سفیر سابق اسرائیل در آمریکا، علت دشمنی مسیحیان صهیونیستی با اسلام را این می‌داند که هدف بنیادگرایی اسلامی، نابودسازی عقاید و رسوم یهودی مسیحی است و نیز آنان نماد دجال یا ضد مسیح‌اند، از این رو جری فالول در ۲۰۰۲ میلادی، پیامبر اسلام را تروریست خواند و نیز به طعنه و با اشاره به هلال، نماد مسلمانان، گفته است که مسلمانان خدای ماه را می‌پرستند، در حالی که مسیحیان صهیونیست، خدای آفرینش را عبادت می‌کنند. رابرتسون، اسلام را دین منحوسین و مجوسین توصیف کرده است و ابراز تعجب می‌کند که چرا بعضی از آمریکایی‌ها اسلام را برگزیده‌اند در حالی که انحرافش بیشتر از مسیحیت و یهودیت است. جان اشکرافت، وزیر دادگستری دولت بوش پسر، اسلام را آیین مرگ نامید، زیرا خدای مسیح، فرزند خود را به سبب زندگی قربانی می‌کند، اما خدای مسلمانان به آنان دستور می‌دهد برای دین، فرزندان خود را قربانی کنند. مجله «موسر» وابسته به اداره فرهنگی آمریکا، پیشنهاد جای‌گزینی کتاب دیگری به جای قرآن را می‌دهد، چون قرآن منبع شر است و تروریست تولید می‌کند.^{۵۹}

نهضت امام خمینی (ره)، از آغاز با سکولاریستی‌سازی اجتماعی (مورد ۱)، جنگ طلبی‌های هواپرستانه (مورد ۲) و ستیز با قرآن الهی و اسلام الهیاتی (مورد ۳) مخالف بود و در مخالفت با این اندیشه‌های غیردینی شکل گرفت، قوام یافت، به پیروزی رسید و پس از آن، دین را به عرصه سیاست آورد، باجنگ طلبی‌های زورگویانه قدرت‌ها مخالفت ورزید و اسلام را از ارض به عرش برد.



فرجام سخن

با توجه به مطالب پیشین سه نکته مهم و مرتبط بین نظریهٔ مسیحیت صهیونیستی و انقلاب اسلامی وجود دارد که عبارت‌اند از:

اول) امام خمینی (ره) بین یهودیت و بین آمریکا و اسرائیل و... پیوند برقرار می‌کند، آنها را یک مؤلفه معرفی می‌کند. سخنان زیر مؤید ادعای فوق است:

۱. «از این به بعد، باید [در] اعراض و نفوس مسلمین، یهود و نصاری و دشمنان اسلام و مسلمین دخالت کنند.»^{۶۰}

۲. «الآن هم یهود و نصاری مانع هستند که اسلام را آن طور که هست، معرفی کنند.»^{۶۱}

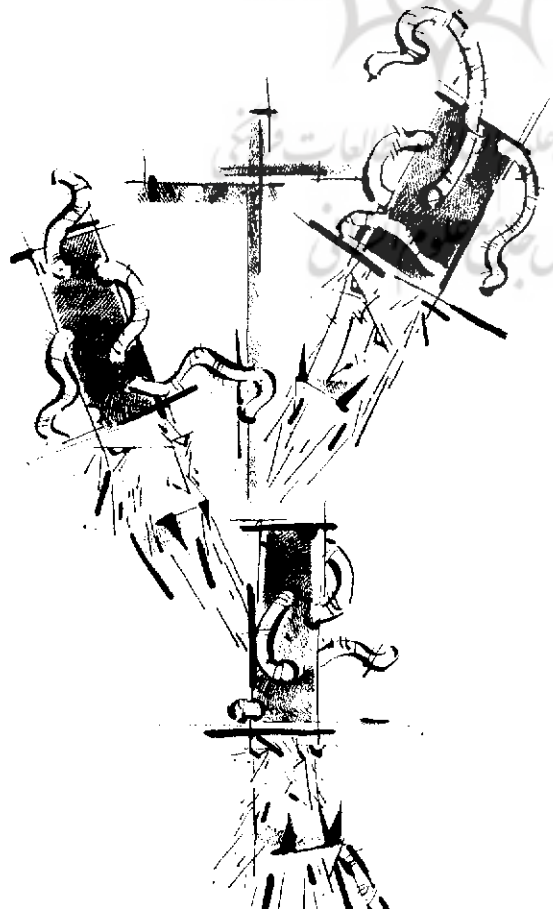
۳. «ما به نفع یهود، آمریکا و فلسطینی هتک شویم، به زندان برویم.»^{۶۲}

۴. «محافل لامذهب بهایی‌های یهودی الاصل ایران و آمریکا و... حقوق زن و مرد را آلت تجاوز به حریم مذهب رسمی این مملکت قرار داده‌اند.»^{۶۳}

۵. «آقا تمام گرفتاری‌ها از این آمریکا و اسرائیل است. اسرائیل هم از امریکاست.»^{۶۴}

در این سخنان امام، تعرض، تباین و تضاد نهضت امام خمینی (ره) با پدیدهٔ یهود سیاسی آشکار است.

دوم) نظریهٔ مسیحیت صهیونیستی پس از طی مرحله مسیحیت یهودی، صهیونیسم مسیحی، قوام یافت (۱۹۴۸ میلادی) و پس از سال ۱۹۸۲ میلادی به مرحله پسامسیحیت صهیونیستی رسید. بنابراین، مرحله قوام‌یابی و اوج‌گیری مسیحیت صهیونیستی به دوره‌ای اختصاص دارد که نهضت امام خمینی (ره) شکل گرفت و به پیروزی رسید. به علاوه، مهم‌ترین اعتقاد از هفت اعتقاد مسیحیت صهیونیستی به مهاجرت یهودیان به ارض موعود (فلسطین) و تشکیل دولتی یهودی در آن مربوط می‌شود و انقلاب اسلامی نیز، یکی از اساسی‌ترین شعارها، خواسته‌ها و آرمان‌های خود را مبارزه با مهاجرت سیاسی یهودیان به فلسطین و مبارزه با اسرائیل و تلاش برای حذف این غده سرطانی قرار داد.^{۶۵} در هر صورت، هدف انقلاب اسلامی، اسلام، استقلال ممالک اسلامی و طرد عمال اسرائیل بود.^{۶۶}



نمودار شکل‌گیری مسیحیت صهیونیستی و درجه انطباق آن با حرکت
سیاسی امام خمینی (ره)

بنیادگرایان (۱۹۲۰ میلادی)

+

انجیل‌گرایان (۱۹۲۵ میلادی)

+

بنیادگرایی مذهبی (۱۹۳۰ میلادی)

+

بنیادگرایی سیاسی (۱۹۳۵ میلادی)

+

بنیادگرایی مسیحی (۱۹۴۰ میلادی)

+

بنیادگرایی صهیونیستی (۱۹۴۵)

=

مسیحیت صهیونیستی (تأسیس اسرائیل ۱۹۴۸ میلادی / ۱۳۲۷ هجری
شمسی) = آغاز حرکت سیاسی امام خمینی (۱۹۴۳ میلادی / ۱۳۲۲ هجری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نمودار شکل‌گیری مسیحیت صهیونیستی و تداوم و درجه انطباق آن با
حرکت سیاسی و نهضت امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی

مسیحیت صهیونیستی (۱۹۸۲-۱۹۴۸ میلادی)

=

مسیحیت یهودی (۱۶۰۰-۱۵۰۰)

=

آغاز حرکت سیاسی امام خمینی (۱۹۴۳ میلادی / ۱۳۲۲ هجری شمسی و
پیروزی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ میلادی / ۱۳۵۷ هجری شمسی)



ضمیمه ۱

ارماگدون - هارمجدون

مقدمه (برده اول): ارماگدون یا هارمجدون واژه‌ای یونانی است، که براساس تعریف واژه‌نامه‌های امریکایی، هم‌چون فرهنگ وبستر به معنای نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان است. هم‌چنین، این واژه نام شهری در شام است و بنا به آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا در عهد جدید آمده است، جنگی عظیم در آن جا رخ می‌دهد و زندگی بشر در آن زمان به پایان می‌رسد. نبرد مذکور مقدمه تحولی بزرگ به شمار می‌رود که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد. درهٔ مجدو، در حدود ۵۵ مایلی شمال تل‌آویو و ۲۰ مایلی جنوب حیفا قرار دارد و فاصله آن از دریای مدیترانه حدود ۱۵ مایل است و البته مجدو دشت مرتفع و در زبان عبری، (هار) به معنای تپه و گاه کوه است و مجدو؛ یعنی اشراف و بلندی، پس هارمجدو یا هارمجدون به معنای تپه اشراف یا کوه بلند است. مجدو در زمان‌های بسیار دور، شهر بسیار مهمی بود. این شهر در محل تقاطع دو جاده مهم استراتژیک نظامی و کاروان‌رو قرار داشت. جاده ماریس، جاده باستانی ساحلی که مصر را از راه مجدو به دمشق و مشرق مربوط می‌ساخت، از این دره می‌گذشت. این محل، همیشه میدان جنگ بوده است و لذا برخی تاریخ‌نویسان هم عقیده دارند که در هارمجدو بیش از هر جای دیگر در جهان، جنگ روی داده است، از این رو فاتحان کهن همواره می‌گفتند، هر فرماندهی که مجدو را در اختیار داشته باشد، در برابر همه مهاجمان پایداری می‌کند. یوشع و بنی‌اسرائیل، در هارمجدو، کنعانیان را شکست دادند، دو سده پس از آن، باز بنی‌اسرائیل، زیر فرماندهی براق، در نبردی بر سیسرا (سردار کنعانیان) چیره شدند. در سال ۱۹۱۸ میلادی ژنرال انگلیسی آلن بی، در هارمجدو به پیروزی قاطعی بر ترک‌های عثمانی دست یافت. دره حزرال یا دشت حزرال، که به سوی شمال غربی تا دور دست اشراف دارد، فضایی را ایجاد می‌کند که میدان آخرین نبرد بشر است. واژه هارمجدون یکبار در انجیل یا همان مکاشفات یوحنا قدیس، باب شانزدهم به این صورت آمده است: و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی، هارمجدون می‌خوانند، فراهم آوردند، اما در کتاب عهد عتیق، هیچ ذکری از این واژه نشده، مسیحیان صهیونیسم بیشترین اطلاعات خود را از مکاشفه یوحنا می‌گیرند و بر آن هستند که او تصویر کاملی از آخرین نبرد بشر را به تصویر کشیده است:

بلدان امت‌ها خراب شد... و هر جزیره گریخت و کوه‌ها نایاب گشت. یک ارتش ۲۰۰ میلیونی شرقی، ناشی از اتحاد نیرومندی از ملت‌ها در طی یک سال به سمت غرب به حرکت درمی‌آید و پر جمعیت‌ترین نواحی جهان را پیش از رسیدن به رودخانه فرات، ویران خواهد ساخت. فرشته‌ای پیاله خود را بر نهر عظیم فرات می‌ریزد، آبش خشک می‌شود تا راه ارتش بزرگ پادشاهانی که از مشرق آفتاب می‌آیند، باز شود. این امر باعث می‌شود که پادشاهان، رهبران و سران دولت‌ها سرزمین اسرائیل را فتح کنند و بزرگ‌ترین ارتش تاریخ جهان را به مجدو آورند. ارتش ملت‌ها در زیر فرمان دجال بر ضد عیسی می‌جنگند، این جنگ هسته‌ای است، زیرا هیچ مصداق دیگری برای این گفته حزقیال نبی نیست: باران‌های سیل‌آسیا و تگرگ سخت و آتش و گوگرد، تکان‌های سختی در زمین پدید خواهند آورد. کوه‌ها سرنگون خواهند شد، صخره‌ها خواهند افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم می‌شود. در این جنگ، (خونین‌ترین نبرد تاریخ)، میلیون‌ها نفر از میان خواهند رفت و دجال را به قتل خواهند رسانید، عیسی ظهور خواهد کرد. مسیح در این جنگ، سلاح جدیدی به کار می‌برد این سلاح همان اثری را خواهد داشت که بمبی نوترونی ایجاد می‌کند، زیرا در کتاب چهاردهم زکریای نبی آمده:

گوشت ایشان در حالی که بر پاهای خود ایستاده‌اند، کاهیده خواهد شد و چشم‌شان در حلقه گذاخته خواهد گردید و زبان‌شان در دهان‌شان کاهیده خواهد گشت. در این جنگ همه مسلمانان کشته

می‌شوند و در آن، آن قدر خون جاری می‌گردد که خداوند آن را به چرخ شراب‌گیری که خون می‌گیرد، تشبیه می‌نماید و تا ۲۰۰ مایل خون است تا به دهانه اسبها بالا می‌آید.

متن (برده دوم): دکتر عبدالکریم زبیدی در نوشتنهای کوتاه، به بررسی اعتقاد غربیان به این حادثه، پرداخته و به‌طور خلاصه از رابطه این واقعه با حادثه عظیم ظهور حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته است. این مقاله گرچه در برخی موارد، حاوی تحلیلی سطحی است اما در عین حال، دارای نکات مهمی است که در شرایط سیاسی کنونی منطقه قابل توجه نیست.

حادثه شریف ظهور، حادثه‌های بزرگ است و قدرت‌های بزرگ جهان، سیاست خارجی خود را بر مبنای حوادثی که پیش از آن رخ می‌دهد، جهت داده‌اند و نقشه‌های نظامی خود را به شکلی سامان داده‌اند که آمارگیری‌های لازم برای این حادثه، در آن ملحوظ باشد، این در حالی است که مؤسسات دینی و رسانه‌های این دولت‌ها نیز، مردم خود را برای استقبال این حادثه آماده می‌سازند. این مؤسسات دینی به همراه رسانه‌های دیداری و شنیداری دولتی، از سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی، مردم خود را به ایمان به وقوع حادثه‌های بزرگ در سرزمین شام که به نبرد هسته‌ای خواهد انجامید، توجه داده‌اند. این مؤسسات پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می‌خوانند که به زودی لشکری از آنتی کریست‌ها (دشمنان مسیح) که بدنه اصلی آن از میلیون‌ها نظامی تشکیل یافته، از عراق حرکت می‌کند و پس از گذشتن از رود فرات که در آن زمان به خشکی گراییده است، به سوی قدس رهسپار می‌شود، اما نیروی مؤمن به مسیح راه این لشکر را سد کرده است و همگی در آرماگدون با یکدیگر برخورد خواهند کرد و در جنگ بین آنها، صخره‌ها ذوب می‌شوند، دیوارها بر زمین فرو می‌غلطند، پوست تن انسان‌ها در حالی که ایستاده‌اند، ذوب شده و تنها، اسکلتی از آنها می‌ماند، میلیون‌ها نفر از بین می‌روند، سپس مسیح برای بار دوم از جایگاه بلند خود بر زمین فرو می‌آید و پس از چندی زمام رهبری جهان را در دست می‌گیرد و صلح جهانی را برقرار می‌کند. او دولت صلح را بر زمین نو و زیر آسمان تازه بنا می‌کند و این مهم را از مرکز فرماندهی خود در قدس عملی می‌سازد. در بررسی انجام گرفته از سوی مؤسسه تلسن که در اکتبر سال ۱۹۸۵ میلادی به چاپ رسیده است، نشان می‌دهد که در حال حاضر ۱۶ میلیون آمریکایی در انتظار واقعه آرماگدون هستند؛ به علاوه، مؤسسات و رسانه‌های فراوانی که آرماگدون را تبلیغ می‌کنند.

مؤسسات دینی آمریکایی این نکته را روشن ساخته‌اند که سپاهی که از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد، بنا به پیش‌گویی حزقیال (فصل ۳۸-۳۹)، از عراق، ایران، لیبی، سودان و قفقاز در جنوب روسیه خواهند بود. دانستن این موضوع به ما در تحلیل سیاست خارجی دولت‌های غربی درباره مردم کشورهای یاد شده، کمک می‌کند. مدارس انجیلی در آمریکا بر پایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه‌ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می‌سازد و این واقعه‌ای بسیار نزدیک است و به تبلیغ این دیدگاه پرداخته‌اند.

آرماگدونی که این عده از آن سخن می‌گویند، همان حادثه عظیم پیش از ظهور مهدی علیه السلام است؛ حادثه بزرگی که ائمه ما نام قرقیسیا را بر آن اطلاق کرده‌اند. ائمه ما: از این نکته خیر داده‌اند که میلیون‌ها نظامی از آمریکا، اروپا، روسیه، ترکیه، مصر و دول مغرب عربی به اضافه سربازانی از سرزمین شام، شامل کشورهای سوریه، اردن، لبنان، فلسطین و اسرائیل همگی در این محدوده تحت عنوان قرقیسیا با یکدیگر برخورد می‌کنند و پس از حصول درگیری، این سفیانی است که در پس آن که همگی را چونان کشت‌زاری درو شده درهم می‌کوبد، از صحنه نبرد پیروز بیرون می‌آید.

امام باقر علیه السلام فرمودند: ای میسر! از این‌جا تا قرقیسیا چقدر راه است؟ عرض کرد: همین نزدیکی‌ها در ساحل فرات قرار دارد. پس فرمودند: اما در این ناحیه واقعه‌ای اتفاق خواهد افتاد که از زمانی که خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را آفریده بی‌سابقه بوده است، چنان‌که تا وقتی آسمان‌ها و زمین برپا هستند، هم واقعه‌ای هم‌چون آن اتفاق نخواهد افتاد. سفرهای گشوده می‌شود که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر می‌شوند (مطابق با سوره واقعه). حادثه قرقیسیا، پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام رخ می‌دهد که همان حادثه بزرگ است. و از آن‌جا که



این حادثه به سفیانی ارتباط دارد و سفیانی از علائم حتمی ظهور امام زمان علیه السلام است، وقوع این حادثه حتمی است، چون امام مهدی علیه السلام پس از حادثه قرقیسیا با سفیانی برخورد خواهد کرد و پس از شکست‌های سفیانی و فرو رفتن سپاه او، ما بین مکه و مدینه برای دیدار با مسیح علیه السلام رهسپار قدس خواهد شد.

به هر صورت زمان به سرعت می‌گذرد و حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به همراه نشانه‌های طبیعی به نزدیک بودن این حادثه عظیم اشاره دارند، اما هنوز ما، خود و نسل آینده را برای آن آماده نکرده‌ایم. این آمادگی در سطوح روانی، عقلی و بدنی به منظور استقبال از حادثه شریف ظهور، امری بی‌نهایت مهم است. بی‌گمان ایمان یک نفر به یک قضیه و پافشاری و ایمان او به لزوم به کرسی نشاندن آن، نقش مهمی در به کرسی نشاندن آن خواهد داشت و روان‌شناسان این نکته را تأیید می‌کنند. مؤسسات دینی - انجیلی امریکا و اروپا آن چه را روان‌شناسان در قضیه بازگشت دوباره مسیح به زمین و در حادثه آرماگدون گفته‌اند، به کار بسته‌اند، بی‌گمان امکان تحقق هر نوع پیش‌گویی در وهله نخست به ایمان مردم به آن و به پافشاری آنها بر ضرورت به کرسی نشستن آن و همچنین به شمار نفرات آنها و شمار افرادی بستگی دارد که رهبری کاروان تبلیغاتی به راه افتاده برای تحقق بخشیدن به آن پیش‌گویی را بر عهده دارند. پیش‌گویی صادقانه‌ای که پیامبر و ائمه در پاک شدن زمین از انواع ستم‌ها و گرفتاری‌ها و برپایی اسلام فرموده‌اند، افق جدیدی از فعالیت‌ها را به روی ما می‌گشاید، تا این‌بار با یک نگاه ژرف به حادثه ظهور حضرت مهدی علیه السلام بنگریم و خود را آماده حادثه‌ای کنیم که جهان در انتظار آن است.

نتیجه (پرده سوم): افزایش افرادی که به پیش‌گویی‌های کتاب مقدس ایمان داشتند (سال ۱۹۹۸ میلادی)، در یک نظرسنجی که توسط مجله تایمز به عمل آمده است، نشان می‌دهد، ۵۱ درصد ملت امریکا به این پیش‌گویی‌ها ایمان دارند که در بین آنها تعداد زیادی از نخبگان حاکم بر ایالات متحده به چشم می‌خورند. از آن جمله می‌توان برخی وزیران، اعضای کنگره و فرمانداران محلی را در میان آنان دید. افزون بر این، چندین رئیس جمهور امریکا، مثل: جیمی کارتر، رونالد ریگان و جرج بوش به این پیش‌گویی‌ها ایمان دارند، به طوری که ریگان مهم‌ترین تصمیمات سیاسی خود را در زمان ریاست جمهوری‌اش، بر اساس پیش‌گویی‌های کتاب مقدس (عهد قدیم) اتخاذ می‌کرد. در سراسر ایالات متحده، تعداد ۰۰۲ مؤسسه و مرکز آموزشی وجود دارد که دانش‌جویان فارغ التحصیل از آنها به اندیشه‌ها و دیدگاه‌های جنبش تدبیری از جمله به نزدیک بودن وقوع جنگ هسته‌ای آرماگدون ایمان دارند و از هر چهارده اصول گرای انجیلی، تعداد سه نفر از آنان به جنبش تدبیری گرایش یافته‌اند. آنان نیز، معتقدند فاجعه‌ای به وقوع خواهد پیوست و این تنها راه ظهور حضرت مسیح (ع) به روی زمین است. به غیر از این، هر روز هشتاد هزار قدیس انجیلی که بیشتر آنان به جنبش تدبیری گرایش دارند، از ۱۴۰۰ مرکز دینی برنامه‌ای تحت رسالت آرماگدون آینده، پخش می‌کنند. مفاد برنامه‌های فوق بر این اساس است:

هرگز صلح و آرامش در جهان مستقر نخواهد شد تا این که حضرت مسیح علیه السلام ظهور کند، و هر بشراتی درباره صلح قبل از ظهور آن، حضرت، سخنی کفرآمیز و ضد خدا و مسیح علیه السلام خواهد بود.

پت روبرتسون از برجسته‌ترین اصول‌گرایان انجیلی امریکا، در برنامه‌های تلویزیونی زیادی به تبلیغ آرماگدون می‌پردازد. شبکه تلویزیونی مسیحیان امریکا، دارای ۳ ایستگاه است و سالانه ۲۰۰ میلیون دلار درآمد دارد. همچنین مسیحیان (راست‌گرای) امریکایی در شبکه تلویزیونی خاورمیانه (جنوب لبنان) سهیم هستند. شانزده میلیون خانواده امریکایی برنامه‌های این شبکه را می‌بینند. نوارهای صوتی و تصویری از برنامه‌های حامیان یهود در میان قشر متوسط جامعه امریکا شدیداً رواج دارد، بیشتر کسانی که به این پیش‌گویی‌ها اعتقاد و ایمان دارند، در طبقه متوسط جامعه امریکا هستند و تعداد آنان به میلیون‌ها نفر می‌رسد. افزون بر این، کتاب‌های ویژه‌ای در زمینه برنامه‌های فوق وجود دارد که در خیابان‌های شهرهای بزرگ امریکا به فروش می‌رسد. مثلاً کتاب مرگ کره زمین نوشته هول لیندسی (از حامیان یهود) که در چند روز اولیه انتشارش ۲۵ میلیون نسخه از آن به فروش

رسید. حامیان یهود که در شبکه‌های تلویزیونی کار می‌کنند، در حقیقت نماینده صهیونیسم مسیحی هستند که توانستند از طریق فعالیت خود که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جنبش نصرانی در تاریخ مسیحیت (امریکا) به شمار می‌رود، ساختاری تحت نام (کمر بند تورات) در سراسر ایالت‌های جنوبی و مرکزی آمریکا ایجاد کنند. در این مناطق، گروه‌های گسترده‌ای از مسیحیان تندرو و مؤمن به پیش‌گویی‌های آرماگدون (هارمجدون) یا پایان جهان یا ظهور حضرت مسیح علیه السلام سکونت دارند. آنان معتقدند مسیح علیه السلام جهان را از شرّ و گناه نجات خواهد داد. با این وجود باید گفت صهیونیسم مسیحی بیش از ۱۲۰۰ جنبش افراطی مذهبی آماده کرده است که اعضای آنها به پیش‌گویی‌های مرتبط با جنگ آرماگدون ایمان دارند. این جنبش‌ها فیلم‌هایی سیاسی بر اساس محورهای دینی ساخته‌اند، که این فیلم‌ها رایگان پخش می‌شوند، این فیلم‌ها بر محور حمایت از اسرائیل قبل از ظهور مسیح (ع) دور می‌زند؛ مثل فیلم اسرائیل نجات آمریکا و قدس د. س.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی



ضمیمه ۱

یهودگرایی بوش

الف) در سال (۱۳۷۵ هجری شمسی / ۱۹۹۶ میلادی)، نتانیاهو از حزب لیکود به نخست وزیر اسرائیل رسید. اندکی بعد، هشت تن از چهره‌های یهودی نومحافظه کار امریکایی، یادداشتی شش صفحه‌ای برای او ارسال کردند که از اسرائیل می‌خواست به مثابه یک حکومت تهاجمی ظاهر شود. در آغاز این یادداشت، لزوم سرنگونی صدام و جای‌گزینی او با پادشاه تحت نفوذ اردن، قرار داشت. مطابق این یادداشت که نوعی نظریه دومینو را به تصویر می‌کشید، حکومت‌های سوریه و دیگر کشورهای عربی، یکی پس از دیگری و در پی سقوط صدام، سرنگون خواهند شد. رهبری نویسندگان این یادداشت را ریچارد پرل یهودی برعهده داشت که در دولت بوش پسر به مسئولیت مهمی چون رئیس دفتر سیاست دفاعی دست یافت. سیمور هرس از نویسندگان نیویورک تایمز، به دلیل رهبری تنظیم این یادداشت از سوی پرل، وی را به جنگ افروزی برای منافع شخصی متهم کرده، زیرا حداقل شرکتی که پرل در آن نقش مهم مدیریتی دارد، از جنگ، سود سرشار می‌برد.

فورد دونر، استاد دانشگاه شیکاگو و پروفیسور تاریخ خاور نزدیک از شدت شباهت دستورالعمل‌های سیاست خارجی بوش و محتوای یادداشت مذکور، شگفت زده شد و با صراحت بیان کرد که رابطه‌ای طبیعی در این میان و بین این دو وجود دارد. روبرت لوتنبرگ از دیگر امضاکنندگان این یادداشت، این ارتباط را با این سخنان تأیید می‌کند:

کل آن یادداشت در مورد برکنار کردن حاکمان عرب بود، ولی قرار نبود آمریکا این کار را انجام دهد، بلکه مطابق یادداشت قرار بود اسرائیل چنین کاری را انجام دهد.

با این وصف، بسیاری در تلاش‌اند که رابطه بین سیاست خارجی و این یادداشت را نفی کنند:

الف) کویبید جerald چستر نماینده مینپولیس می‌گوید: بوش، چنی و رامسفلد هر سه پروتستان هستند. آیا می‌شود مدعی شد این سه تن، مسئول جنگ بوده‌اند که اسرائیل از تر آن نفع می‌برد؟

ب) رابی الایزر موسکین نماینده لوس آنجلس می‌گوید: آمریکا هرگز برای حمایت از اسرائیل، سرباز گسیل نکرده، این حرف‌ها کاملاً یهودستیزی است، زیرا آمریکا برای سود اسرائیل به جنگ نرفته است.

اما جای تعجب است، کسانی که بر وجود رابطه بین یادداشت شش صفحه‌ای و سیاست خارجی آمریکا تأکید می‌ورزند، از کار برکنار می‌شوند. مثلاً جیمز موران نماینده ویرجینیا در مجلس نمایندگان، پس از حمایت از مسئول بودن جامعه یهود، در جنگ عراق مقام خود را در رهبری دموکرات‌ها از دست داد. شاید اصرار بوش و دستیارانش چون پل ولفویتس، داگلاس قیث، الیون ابر و دیوید ورمسر بر نفی وجود این رابطه، آنها را بیشتر در معرض این اتهام قرار داده است که بوش تحت تأثیر مشاوران یهودی‌اش به جنگ صدام رفته است.

۲. گروه کوچکی متشکل از بنیادگرایان مسیحی بر هیئت حاکمه آمریکا تسلط یافته‌اند. اینها تشکیل دهنده هسته‌ها و حلقه‌های مشاورانی هستند که در شکل دادن به سیاست آمریکا و تنظیم مطالب تأثیرگذارترین و مهم‌ترین نشریه‌های امریکایی، بازی‌گر اصلی‌اند. برای سالیان متمادی این گروه، در همه عرصه‌ها به منزله گروهی حاشیه‌ای بودند. آنها در این دوران، علیه سقط جنین، هم جنس‌بازی، هرزه‌گری و مواد مخدر به مقابله پرداختند و با به قدرت رسیدن بنیامین نتانیاهو در اسرائیل، در مورد نحوه مقابله اسرائیل با اعراب، پیشنهادهایی به وی ارائه نمودند. اعضای این گروه تقریباً همه یهودی‌اند:



۱. ریچارد پرل، مدیر سابق کمیته سیاست وزارت دفاع

۲. الیوت کوهن، عضو کمیته سیاست وزارت دفاع

۳. دون کراس، عضو کمیته سیاست وزارت دفاع

۴. پل ولفووتیز، مرد شماره ۲ وزارت دفاع

۵. داگلاس قیث، مسئول برنامه ریزی پنتاگون

۶. جان بولتون، عضو کمیته برنامه ریزی پنتاگون و مشاور وزیر خارجه

۷. الیوت ابرامز، مسئول مسائل خاورمیانه در شورای امنیت ملی

۸. داوژ اکثیم، مسئول امور مالی وزارت دفاع

۹. دیک چنی، معاون رئیس جمهوری

۱۰. دونالد رامسفلد، وزیر دفاع

۱۱. میروا ورمسر، مدیر مرکز سیاست‌های خاورمیانه در مؤسسه تحقیقاتی هوسون

۱۲. دیوس ورمسر، مسئول مطالعات مرتبط با خاورمیانه در مؤسسه تحقیقاتی هوسون

۱۳. چارلز کهائامر، روزنامه نگار در روزنامه واشنگتن پست

۱۴. ویلیام سفایر، روزنامه نگار در روزنامه نیویورک تایمز

۱۵. ژنرال جی گاردنر، رئیس سابق دولت غیر نظامی عراق

گروه تهیه کنندگان سخنرانی‌های بوش

الف) جوزف شارتون؛ ب) مایتو اسکالی؛ ج) جان مک کونل.

آوری أونری، روزنامه نگار و نویسنده اسرائیلی، با ارائه آمار فوق می گوید امریکا، جهان و یهودیان امریکا را تحت تأثیر قرار داده است. تاکنون هیچ‌گاه یهودیان از چنین نفوذ عظیمی بر این مرکز قدرت جهانی، یعنی امریکا برخوردار نبوده‌اند. با این وصف، أونری، نگران شکست بوش در انتخابات آینده است. در صورت شکست وی گروه نومحافظه کاران رها می‌شوند، آن‌گاه چه اتفاقی برای اسرائیل که هم‌اینک خود را با سیاست‌های این گروه کاملاً منطبق می‌بیند، خواهد افتاد.

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

۱. توماس اسپریگمن، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، ص ۱۸، نشر آگاه، تهران: ۱۳۶۵.
۲. آلبوین استانفورد کوهن، تئوری‌های انقلاب، ترجمه علی‌رضا طبیب، ص ۵۰-۵۳، نشر قدس، تهران: ۱۳۶۹.
۳. <http://www.mouood.org>
۴. همان.
۵. زیل کیل، اراده خداوند؛ یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در راه تسخیر دوباره جهان، ترجمه عباس آگاهی، ص ۱۹۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۰.
۶. حیدررضا ضابط، «صهیونیسم مسیحی»، مانامه معارف، شماره ۲۰ (آبان ۱۳۸۲) ص ۶-۱۵.
۷. دیوید هاروی، مسیحیت، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی (قم): مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸، ص ۳۸-۵۷.
۸. مرتضی شیروی، فلسطین و صهیونیسم (قم: تحسین، ۱۳۸۲) ص ۲۷-۲۸.
۹. عبدالوهاب المسیری، صهیونیسم، ترجمه لواء رویاری (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴) ص ۷؛ روزه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرین حکمی (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹) ص ۸.
۱۰. <http://www.mouood.org>
۱۱. <http://www.icro-euroamerica.com>
۱۲. همان.
۱۳. اسماعیل شفیعی سروسنتانی، «رساله، مهدویت و مسیحیت صهیونیستی»، فصل‌نامه گل نرگس، شماره ۱۲ (پاییز ۱۳۸۳) ص ۵۲-۵۶.
۱۴. همان.
۱۵. رضا دلایل، «مسیح یهودی و فرجام جهان»، ترجمه قیس زعفرانی، مانامه موعود، شماره ۴۱، آذر ۱۳۸۲، ص ۲۱.
۱۶. رضا هلال، «مسیح یهودی امریکایی»، ترجمه قیس زعفرانی، مانامه موعود، شماره ۴۲، دی ۱۳۸۲، ص ۳۵.
۱۷. همان، شماره ۴۳، بهمن ۱۳۸۲، ص ۲۵.
۱۸. همان.
۱۹. همان شیروی، همان، ص ۳۹.
۲۰. همان.
۲۱. همان.
۲۲. «پورتین‌ها و صهیونیسم مسیحی»، مانامه موعود، شماره ۴۱ (آذر ۱۳۸۲) ص ۲۰.
۲۳. نصیر صاحب‌خلق، «مسیحیت صهیونیستی: پیدایش و ظهور آن»، مانامه موعود، شماره ۴۰، همان، ص ۲۱.
۲۴. ضابط، همان.
۲۵. استفان ساکیور، «مسیحیان صهیونیست جدید امریکا»، ترجمه فاطمه شفیعی سروسنتانی، مانامه موعود، شماره ۴۴ (اسفند ۱۳۸۲) ص ۱۸.
۲۶. «تشکیلات مسیحی حامی اسرائیل»، ترجمه فاطمه شفیعی سروسنتانی، مانامه موعود ۴۱ (آذر ۱۳۸۲) ص ۵۱.
۲۷. مرتضی شیروی، «بسیا یهودیسم و یهودیان تلاش‌گرا»، بگانه حوزه، شماره ۱۴۸ (۷ آذر ۱۳۸۳) ص ۴.
۲۸. محمد ماضی، سیاست و دیانت در اسرائیل، ترجمه غلام‌رضا تهامی (تهران: سناه، ۱۳۸۱) ص ۲۰۳.
۲۹. همان.
۳۰. گریس هالسل، در تدارک جنگ بزرگ، ترجمه خسرو اسدی (تهران: رسا، ۱۳۷۷) ص ۲۵۶ و ۲۳۴.
۳۱. مرتضی شیروی، «گرایش بنیادگرایان مسیحی به یهودیسم»، بگانه حوزه، شماره ۱۳۷ (۶ تیر ۱۳۸۳) ص ۴.
۳۲. علی فهم‌دانش، «مسیحیان صهیونیست را بهتر بشناسیم»، مانامه موعود، شماره ۴۰، همان، ص ۴۵.
۳۳. نصیر صاحب‌خلق، «بهشت زایشی: رؤیاهای عهد عتیقی لوتر در پروتستانیزم»، مانامه موعود، شماره ۴۹ (مرداد ۱۳۸۳) ص ۳۴.
۳۴. پیشارا اواد، «مسیحیت صهیونیستی»، ترجمه فاطمه شفیعی سروسنتانی، مانامه موعود، شماره ۴۰، همان، ص ۱۵.
۳۵. حیدررضا ضابط، «احداث معبد بزرگ در بیت المقدس»، مانامه موعود، شماره ۴۶ (اردیبهشت ۱۳۸۳) ص ۳۱.
۳۶. روزنامه جمهوری اسلامی (۸۲ مهر ۱۳۸۲) ص ۱۵؛ در تدارک جنگ بزرگ، ص ۱۹.
۳۷. همان، ص ۱۴۲؛ رحیم کارگر، آینده جهان (قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۳) ص ۱۰۷-۱۰۱.
۳۸. حیدررضا ضابط، «بیک آخرالزمان»، مانامه معارف، ص ۸.
۳۹. محمدرضا دهشیری، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹) ص ۳۳۷.
۴۰. «مسیح یهودی و فرجام جهان»، مانامه موعود، شماره ۴۱، ص ۲۱.
۴۱. کوثر، ج ۱، ص ۸.
۴۲. همان، ص ۹.
۴۳. همان، ص ۲۶.
۴۴. همان.
۴۵. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۱۶.
۴۶. اراده خداوند؛ یهودیان، مسیحیان و مسلمانان.
۴۷. کوثر، ج ۱، ص ۵.
۴۸. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۲۱.
۴۹. همان، ص ۲۰۷.
۵۰. هالسل، همان.
۵۱. همان، ص ۶۴۳-۸۴۲.
۵۲. کوثر، ج ۱، ص ۱۵ و ۱۱.
۵۳. همان، ص ۱۸ و ۱۲.
۵۴. همنبری دیپلماتیک (۳ اردیبهشت ۱۳۸۴) ص ۱۰.
۵۵. کوثر، ج ۱، ص ۷؛ صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۰۷.
۵۶. حمید بارسائیا، حدیث پیمانہ: پژوهشی در انقلاب اسلامی (قم: معارف، ۱۳۷۹) ص ۳۰۵.
۵۷. در تدارک جنگ بزرگ، ص ۲۶.
۵۸. همان، ص ۲۴۱ و ۸۸.
۵۹. «مسیحیت صهیونیستی: پیدایش و ظهور آن»، مانامه موعود، ش ۴۰، ص ۴۱؛ در تدارک جنگ بزرگ، ص ۲۰۷.
۶۰. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۴۳.
۶۱. کوثر، ج ۱، ص ۳۳.
۶۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۵۳.
۶۳. همان، ص ۱۹۳.
۶۴. کوثر، ج ۱، ص ۳۱.
۶۵. دن لایدینز، «بازتاب بنیادگرایی امریکایی در سیاست خارجی امریکا»، ترجمه قیس زعفرانی، مانامه موعود، شماره ۴۴، همان، ص ۶۵.
۶۶. اشاره به سخن امام است. ر.ک. صحیفه امام، همان، ص ۲۶۷.